

زندگی سعادت‌مندان

تألیف:

توفیق محمد مصری

مترجم:

محمد عبداللطیف انصاری

چاپ اول ۱۴۳۰/۱۳۸۸ھ

عنوان کتاب:	زندگی سعادت‌مندان
عنوان اصلی:	العش الهادی
نویسنده:	توفیق محمد مصری
مترجم:	محمد عبدالطیف انصاری
موضوع:	مواعظ و حکمت‌ها
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۷	تقریظ استاد عبدالله حیدری
۱۴	مقدمه مترجم
۲۲	مقدمه مؤلف
۲۵	فصل اول آیات ثنا و ستایش الله سبحانه و تعالی
۲۷	بزرگ‌ترین بشارت و وعده به پاداش نیک
۲۸	منت و پذیرش توبه در لحظه سخت
۳۰	یاری و صداقت و فضل و خشنودی
۳۱	باغ‌های بهشت و خشنودی بالاتر از همه چیز الله ﷻ
۳۲	جایگاه خوب دنیا و پاداش بزرگ‌تر اخروی
۳۲	ایمان و یاری، خشنودی و رستگاری
۳۶	الله ﷻ در میان‌شان الفت و محبت ایجاد نمود
۳۶	بیعت الرضوان... و نزدیک شدن پیروزی

فصل دوم: نسیمی از عطر سنت نبوی ﷺ ۳۹

- ۳۹..... صحابه... صحابه
- ۴۰..... بهترین امت ... ستاره‌های آسمان
- ۴۱..... کوهی از طلا و مقام والا
- ۴۳..... رؤیت و ایمان، بهشت و رضوان
- ۴۴..... چه حاضر و چه غایب... در نماز و جهاد
- ۴۴..... وصیت پیامبر ﷺ: اصحاب مرا آزار ندهید

فصل سوم مدح و ستایش متبادل ۴۷

- ۴۷..... اول: اهل بیت صحابه را دوست دارند
- ۴۷..... اصحاب موسی علیهما السلام و اصحاب محمد ﷺ
- ۴۸..... صحابه بودن ... ابتلا و یاری
- ۵۱..... عبادت... و تضرع و زاری
- ۵۲..... حد تهمت برای آن که از مقام صحابه بکاهد
- ۵۲..... دوّم: صحابه ﷺ اهل بیت ﷺ را می‌ستایند
- ۵۲..... اذیت علی اذیت پیامبر ﷺ است
- ۵۳..... نخستین خویشاوند پیامبر ﷺ
- ۵۳..... دوست داشتن اهل بیت
- ۵۳..... بیشتر به پیامبر ﷺ شباهت دارد
- ۵۴..... شیخین عنه سر علی رضی را می‌بوسند
- ۵۴..... جایگاه شنوایی و بینایی و قلب
- ۵۴..... مصیبتی بس بزرگ!
- ۵۵..... شوری از آن مهاجرین و انصار است

- ۵۸..... عمر رضی الله عنه به خیر و نیکی دست یافت
- ۶۲..... علی رضی الله عنه و فدک
- ۶۳..... فصل چهارم اهل بیت و اصحاب... شفقت و خویشاوندی
- ۶۶..... روابط خویشاوندی بین اهل بیت و صحابه رضی الله عنهم
- ۶۹..... فصل پنجم نکته‌ها و پندها
- ۶۹..... علی رضی الله عنه و دشنام دادن به شیخین رضی الله عنهما
- ۷۰..... بین عمر... و ابن حنیفه
- ۷۰..... محبت و مدح و ثنای ابن عباس رضی الله عنه
- ۷۱..... فرزندان اما نه مانند هر فرزند
- ۷۱..... الله سبحانه قبر عمر را پر نور گرداند
- ۷۲..... هجرت عمر رضی الله عنه و مستضعفین
- ۷۲..... سرور پیران بهشت
- ۷۳..... مهاجران اول... و ازدواج عمر رضی الله عنه
- ۷۳..... موضع‌گیری علی رضی الله عنه در برابر شهادت عمر رضی الله عنه
- ۷۴..... رابطه أم المؤمنین عائشه و فاطمه رضی الله عنهما:
- ۷۴..... قلب تپنده... و دعا و نماز
- ۷۵..... برائتی از این برائت
- ۷۵..... صبر کن! بهترین مردم را به تو معرفی کنم
- ۷۵..... فضل... و جهل
- ۷۵..... خلفای بعد از خود را ذلیل کردی
- ۷۶..... شکایت مکلوم!

- ۷۶..... آیا انسان پدربزرگش را ناسزا می‌گوید؟!.....
- ۷۷..... دوبار مرا به دنیا آورد.....
- ۷۷..... بله صدیق! بله صدیق!.....
- ۷۷..... بله امیرالمؤمنین!.....
- ۷۷..... معاذ الله!.....
- ۷۸..... زیباترین سخن.....
- ۷۸..... اهل بیت سخن می‌گویند.....
- ۷۹..... آرامش سخن می‌گوید.....
- ۷۹..... عبای عمر رضی الله عنه و اخلاص علی رضی الله عنه.....
- ۷۹..... روی بستر مرگ... محبت و ولایت.....
- ۸۰..... گواهی راست و صادقانه.....
- ۸۰..... فداکاری و جانفشانی... صبر زیبا.....
- ۸۰..... وصیت وداع کننده.....
- ۸۱..... نماز پشت سر دشنام‌دهنده.....
- ۸۱..... به اندازه دانه خردلی ظلم نکردند.....
- ۸۱..... ای کاش این آیه را می‌دانستند!.....
- ۸۲..... ریختن اشک بر این جنازه.....
- ۸۳..... روش عملی با اهل نجران.....
- ۸۳..... اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در صحابه رضی الله عنهم تجلی کرد.....
- ۸۳..... سنگریزه در دهان گذاشتن.....
- ۸۴..... اقوام گرامی و بزرگ‌منش.....
- ۸۴..... ثناء و ستایش.....

- ۸۵..... اهل تفسیر و تأویل
- ۸۵..... خیری در ادامه دادن زندگی در باطل نیست
- ۸۶..... در مورد اصحاب پیامبر ﷺ الله را فراموش نکنید
- ۸۶..... شهادت امام در مورد دشنام دهندگان
- ۸۹..... سخن اخیر
- ۹۱..... سؤال و جواب
- ۹۱..... سؤال اوّل: موارد زیر را ذکر کنید:
- ۹۱..... سؤال دوّم: پاسخ درست را در بین پُرانتزها انتخاب کنید:
- ۹۲..... سؤال سوّم: جاهای خالی را پر کنید.
- ۹۳..... مراجع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریظ استاد عبدالله حیدری

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اسلام و مسلمین در همهٔ اعصار و قرون موضوع وحدت و اتحاد امت اسلامی بوده و کماکان خواهد بود. پس از شکست‌های دشمنان اسلام یکی پس از دیگری در صدر اسلام، باندها و قدرت‌های شکست خورده در فکر انتقام از اسلام افتادند، اما اینبار نه از راه نظامی بلکه از راه نفوذ به داخل بدنهٔ اسلام. لذا تشکیلات سیاسی را بنیان گذاشتند که بعدها به شکل یک مذهب در آمد. مذهبی که با عقاید و باورهای شاذ و بی‌سابقه خودش را کاسهٔ داغتر از آتش معرفی کرد. افراد اولیه این مذهب عجیب و غریب را که بوسیلهٔ بنیان‌گذار یهودی آن انتخاب شده بود به اصطلاح مورخین، موتورین یا عقده‌ای‌ها تشکیل می‌دادند، سپس افرادی نیز از منافقان به این جمع نامبارک پیوستند، و بدین ترتیب باند ستون پنجم در بدنهٔ اسلام رخنه کرد و به نام محبت اهل بیت و دفاع از اهل بیت آغاز به کار نمود. کم‌کم ادعای امامت و عصمت به آن اضافه شد، و رفته رفته این حزب سیاسی خطرناک، تبدیل شد به مذهب دلسوز به اسلام و پیامبر ﷺ و اهل بیت و خاندانش.

همه چیز این مذهب شگفت‌آور بود اما یکی از شگفت‌آورترین بخش‌های آن لعنت و نفرین بر همسران و یاران پیامبر گرامی ﷺ بود. مثل اینکه یکی بگوید تو آدم خوبی هستی اما لعنت بر پدرت! اینها نعوذ بالله همین کار را کردند، گفتند پیامبر ﷺ و فقط یک دختر و یک پسر عمو و دو نوه ایشان خوبند! لعنت بر بقیه! در برابر انتخاب دختر پیامبر ﷺ یعنی حضرت فاطمه زهراء رضی الله عنها سه دختر دیگر ایشان را حذف کردند! حتی انکار کردند که آنها دختران پیامبر ﷺ باشند!

در برابر یک پسر عمو (علی بن ابی طالب رضی الله عنه) تمام عموها و پسر عموهای پیامبر ﷺ را حذف کردند! پس جز علی هیچ عمو و پسر عمو و فرزندان آنان از اهل بیت نیستند. و از بین دوتا نوه (حسن و حسین رضی الله عنهما) فقط فرزندان حسین را انتخاب کردند یعنی جز خود حسن ابن علی (و به اصطلاح خودشان امام مجتبی و دومین امام معصوم) پانزده فرزندش و پانزده فرزند حسن مثنی (نوه‌های حضرت حسن) و صدها نوه دیگر هیچ کدام اهل بیت نیستند! و حتی از میان فرزندان علی (۳۰ پسر و دختر) جز حسن و حسین بقیه اهل بیت نیستند! و از خانواده سایر امامان جز خود امام هیچکدام از فرزندان اهل بیت نیستند! برترین و معروفترین همسران پیامبر ﷺ که خداوند ﷻ آنها را امهات المؤمنین نامیده اهل بیت (خانواده پیامبر ﷺ) نیستند! پدر زنان پیامبر ﷺ ابوبکر و عمر رضی الله عنهما و داماد ایشان حضرت عثمان که دو دختر پیامبر ﷺ را به ازدواج داشتند اهل بیت نیستند! و عمر فاروق داماد خود حضرت علی همسر ام کلثوم از اهل بیت نیستند! فقط یک کانال ۱۲ نفری اهل بیت هستند که جز عرش و کرسی همه صفات خدایی را دارا هستند! و بقیه بخصوص ابوبکر و عمر پدر زنان پیامبر ﷺ (و عمر داماد علی) و عائشه و حفصه امهات المؤمنین همه

نعوذ بالله کافر و مرتد و منافق و مستحق لعنت هستند و حتی نعوذ بالله أم المؤمنین فاحشه و زناکار بود!

این مذهب اسمش اسلام ناب محمدی و عاشق و محب أهل بیت است! اسلامی که همه خانواده و خویشاوندان حضرت محمد ﷺ را از ایشان جدا کرده و لعنت می‌کنند اسمش اسلام ناب محمدی است! شگفتا! واقعا که شگفت انگیز و خنده دار و مسخره است! و چقدر مسخره هستند کسانی که چنین ایده‌ای را بنیان گذاری کرده‌اند! و چقدر مسخره‌تر کسانی که در عصر علم و دانش و اوج قدرت و توسعه رسانه و انترنت و تحقیقات و پژوهش‌های انترنتی و اتوماتیک که با یک اشاره ماوس انسان می‌تواند صدها و هزاران صفحه مطلب را در باره یک موضوع جلو خودش مجسم ببیند و بلکه چاپ کند و به شکل کتاب در اختیار داشته باشد در چنین عصر و زمانه‌ای چقدر مسخره است که کسی آن هم با نام حوزه‌ای و دانشگاهی و محقق و پژوهشگر این خرافات بی‌ریشه را به نام دین بپذیرد، خرافات و مزخرفاتی که به اصطلاح مرغ پخته را هم به خنده در می‌آورد!

اگر اسم این سیاه بازی و هیپوتیزم و مسخره کردن و تحقیر کردن اندیشه انسانها نیست پس چیست؟! آیا زمان آن فرا نرسیده که هرکس به فکر نجات خودش باشد: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً﴾ [المدثر: ۳۸]. «هر کس در گرو کردار خویش است!».

و آیا زمان آن فرا نرسیده که هرکس خودش و خانواده‌اش را از عذاب جهنم برهاند ﴿فَوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ [التحریم: ۶]. «خود و خانواده خود را از عذاب دوزخ برهانید». آیا زمان آن فرا نرسیده که در باب عقاید و باورهای دینی که سعادت و شقاوت زندگی ابدی انسان بدان بستگی دارد از تقلید دیگران دست بکشیم و به قرآن کریم سرچشمه زلال اسلام ناب و

منبع اصلی عقاید دینی مراجعه کنیم: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ [الإسراء: ۹]. «یقیناً این قرآن به بهترین و استوارترین راهها هدایت می‌کند». ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۱۷]. «ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم آیا هست کسی که پند بگیرد؟». آیا فرصت آن نرسیده که به صحابه پیامبر ﷺ که قرآن آنها را معیار ایمان قرار داده اقتداء کنیم: ﴿فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ أَهْتَدُوا﴾ [البقرة: ۱۳۷]. «ای یاران رسول الله ﷺ - اگر مانند ایمان شما ایمان آوردند رستگار شدند» و آیا زمان آن نرسیده که هرکس درک کند که جز تلاش و کوشش خودش چیزی راهگشای مشکلات اخروی اش نخواهد بود ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ [النجم: ۳۹] و آیا وقت آن نرسیده که از نعمت عقل که خداوند ﷻ آنرا برای فرق انسان از حیوان به ما عنایت فرموده استفاده کنیم و با فکر کردن و اندیشیدن و تدبر کردن بهترین و استوارترین راه را برای سعادت و رستگاری دائمی و ابدی خودمان انتخاب کنیم؟ ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ۲۴]. «آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند» تا به پندها و هشدارهای تکان‌دهنده آن توجه کرده و به حجت‌های آشکار و برهان‌های قاطع آن عمل کنند «یا مگر بر دل‌هایی قفل‌هایشان نهاده شده است؟» و آیا فرصت آن نرسیده که به تعبیر قرآن از پروردگار ﷻ بترسیم: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾ [الحديد: ۱۶]. «آیا وقت آن نرسیده که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر و یاد الله متعال و آنچه که از حق نازل فرموده بترسد و خاشع گردند؟».

و بالاخره آیا وقت آن نرسیده که خود را بیش از این فریب ندهیم و به حق و حقیقت بازگردیم؟ و به همه مفاهیم و اعتقادات دینی نگرشی نوین

داشته باشیم و با یک بازنگری محققانه اندوخته‌های فکری و اعتقادی موروثی و تلقین شده را فورمت کنیم و از نو همه اصول اعتقادی و اندیشه سالم و قرآنی را از روی قرآن کریم و سنت صحیح پیامبر گرامی و باورهای ناب صحابه و اهل بیت علیهم‌السلام انتخاب نماییم. تا از شر ویروس‌های مخرب و پیامدهای سوء آن در امان بمانیم.

کتابی که در دست دارید تراوش فکری دانشمند گرامی و دوست عزیز استاد توفیق مصیری دبیر موفق آموزش و پرورش است که سالهاست افتخار دوستی و آشنایی با ایشان را دارم، و در عصری که فتنه جویان و نفاق افکنان برای کاشتن و پروراندن تخم نفاق و تفرقه به نام وحدت و تقریب و انسجام، شکاف و اختلاف امت اسلامی را بیشتر کرده و زخم آنرا عمیق‌تر می‌کنند دانشمندان موفقی از قبیل نویسنده گرامی و ده‌ها و صدها عالم و دانشمند اهل سنت برای تحقق عملی وحدت امت اسلامی از جان و مال خودشان مایه می‌گذارند و زحمت می‌کشند.

اگر اهل سنت مانند بعضی‌ها اهل ریاکاری و شعار بودند جهانیان می‌دیدند که داعی و عامل وحدت کیست؟ و تفرقه انداز و حدت شکن چه کسی است؟ کاش اهل سنت حداقل از باب تشویق و ترغیب و به پاس خدمات ارزنده علماء و دانشمندان بزرگواری که با وحدت آفرینی در عصرهای مختلف به نزدیک کردن آحاد امت اسلامی به یکدیگر کمک می‌کنند و برای از بین بردن و کمرنگ کردن اختلافات تلاش می‌کنند مدال می‌دادند، و آنها را به جهان معرفی می‌کردند و کاش یک مرکز علمی پژوهشی اینگونه دانشمندان و نخبگان را دورهم جمع می‌کرد تا از آنان برای از بین بردن اختلافات و محکم کردن صف اسلامی و نزدیک کردن آحاد امت اسلامی به یکدیگر به شکل بهتر استفاده می‌شد.

و کاش افراد و گروه‌ها و مذاهب و رسانه‌های تفرقه افکن و اختلاف انگیزی که فاصله و اختلاف را بین امت اسلامی بیشتر می‌کنند و اسباب تفرقه و کینه و دشمنی را در میان مسلمین دامن می‌زنند از سوی مراکز جهانی و کارشناسان و نخبگان بی‌طرف شناسایی و به جهانیان معرفی می‌گردید و در سطح جهانی سلب صلاحیت می‌شدند و اگر روحانی می‌بودند خلع لباس می‌شدند، تا کسی حرف آنها را باور نمی‌کرد و دروغ‌ها و حيله‌ها و نیرنگ‌های آنان را که باعث عمیق‌تر شدن شکاف و اختلاف در بین امت اسلامی می‌گردد. برای همگان معرفی می‌گردید تا کسی فریب آنها را نخورد.

استاد توفیق مصیری در این کتاب وحدت عملی صحابه و اهل بیت رضی الله عنهم را بخوبی ترسیم کرده و در پرتو آیات و روایات حدیثی و تاریخی نشان داده که آنها یک خانواده بودند و نه تنها با هم دشمن نبودند بلکه خیلی هم دوست و به هم نزدیک بودند و صمیمیت و محبت بر تمام شئون زندگی‌شان حاکم بود، علاوه از روابط اجتماعی دیگر، نزدیک‌ترین روابط خویشاوندی را با یکدیگر داشتند دهها و صدها نمونه ازدواج بین اهل بیت و صحابه منعقد گردید، حتی چندین مورد ازدواج بین بنی هاشم و بنی امیه منعقد شد، اهل بیت فرزندان‌شان را به نام مبارک شخصیت‌های ایمانی و استثنایی تاریخ مانند ابوبکر صدیق و عمر فاروق و عثمان ذی النورین و عائشه صدیقه و طلحه و زبیر و خالد و دیگران رضی الله عنهم نام گذاری کردند. پس این اختلافات و دشمنی که بعضی واعظان خدانشناس و روضه خوانان بی‌سواد و مداحان جاهل و بعضی روحانی نماهای عقده‌ای و روانی به مردم تلقین می‌کنند چیزی جز تراوش دل‌های بیمارشان نیست چه، از کوزه همان برون تراود که در اوست.

امیدوارم این کتاب برای بسیاری از حق جویان و تشنگان حقیقت راهگشا و وسیله‌ای برای وحدت امت اسلامی و کمرنگ کردن اختلافات باشد.

مترجم کتاب برادر عزیز و دوست گرامی آقای محمد انصاری با اینکه ترجمه یک کار دشوار است و ایشان تازه پا به این عرصه مهم و مفید گذاشته الحمدلله بخوبی توانسته مفاهیم مورد نظر نویسنده را به خواننده فارسی زبان منتقل کند، امیدوارم در آینده شاهد آثار دیگری از ایشان باشیم. در پایان از خواننده گرامی آرزو دارم علاوه بر نویسنده و مترجم این برادر کوچک‌شان را نیز از دعای خیر فراموش نفرمایند.

محتاج دعای خیر شما

عبدالله حیدری

مقدمه مترجم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ
وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

أما بعد:

الله تبارک و تعالی نعمت‌های فراوانی را برای بشریت ارزانی نموده است،
نعمت‌های که نمی‌توانیم همه آنها را برشماریم.

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ [ابراهیم: ۳۴].

«و اگر نعمت الله را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به‌شمار درآورید».

وبزرگترین و بهترین این نعمت‌ها و با عظمت‌ترین آن که به بشریت
ارزانی شده نعمت فرستادن پیامبران الهی می‌باشد آن رسولان الهی که
برای هدایت بشریت فرستاده شدند. و بهترین این پیامبران الهی محمد
مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بهترین کتاب‌های آسمانی قرآن کریم و دین اسلام بهترین
و کامل‌ترین دین‌ها است که این نعمت بزرگ مختص به امت سید المرسلین
محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گردید و به وسیله آن سلسله نبوت ختم شد.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما امت اسلام بهترین امتی هستيد که برای مردم بیرون آورده شده است به معروف امر می کنید و از منکر نهی می نمایید و به الله ایمان دارید».

و الله تبارک و تعالی برای کمک و نصرت و همراهی رسول الله ﷺ بهترین انسان ها را برگزید تا به ایشان ایمان بیاورند و در امر دعوت و جهاد ایشان را همراهی کنند.

اصحاب رسول الله ﷺ کسانی بودند که مال و اولاد، قوم و قبیله و شهر و دیار خود را فدای رسول الله ﷺ نمودند، مانند اصحاب موسی علیهما السلام نبودند که بگویند برو تو و پروردگارت بجنگید و ما اینجا نشسته ایم، مانند اصحاب عیسی علیهما السلام نبودند که بگویند برایمان غذایی از آسمان طلب کن، بلکه خطاب به رسول الله ﷺ فرمودند: اگر به بحر داخل شوید ما هم همراه شما داخل می شویم.

و در آنچه گفتند صادق بودند زیرا تاریخ گواه است که آنان در راه دین اسلام و دفاع از رسول الله ﷺ همه چیز خود را قربانی نمودند.

پس سخن از صحابه گرانقدر رسول الله ﷺ سخن از انسان های عادی نیست سخن از انسان های ویژه و نسل تعلیم یافته مکتب قرآن است، سخن از انسانهایی که در مدرسه بهترین اولاد آدم سید الانبیاء والمرسلین درس ایمان و شهادت آموختند، سخن از انسانهایی است که تاریخ بشر مانند آنها را در خود ندیده است. کسانی که جان و مال و خانواده و خلاصه همه چیز خود را در راه عقیده و ایمان قربان کردند. هر کدام از آنها می دانست که هنگامی که کلمه توحید را بر زبان می راند و به جمع یاران رسول الله ﷺ می پیوندد باید از همه چیز دل برکند و دشمنی جهانیان را برای همیشه بخرد.

آری اصحاب گرانقدر رسول الله ﷺ صدق و اخلاص خود را عملاً ثابت کردند و حقا که بهترین یار و مددکار برای بهترین پیامبر بودند. صحابه رضی الله عنهم در راه الله ﷻ جهاد نمودند و رسول الله ﷺ را یاری دادند و دین الله ﷻ را نشر نمودند. با خون خود درخت اسلام را آبیاری نمودند و مستحق مدال رضایت از پروردگار عالمیان گردیدند:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«پیشگامان و سبقت‌کنندگان نخستین و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کرده‌اند الله از ایشان خشنود شد و ایشان نیز از او خشنود شدند و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر آن نهرها روان است، همیشه در آن جاودانند، این است همان کامیابی بزرگ».

اما با وجود این همه دلایل روشن و براهین قاطع چرا باز هم عده‌ای با

صحابه رضی الله عنهم دشمنند؟

واقعیت این است که دشمنی آنها با صحابه رضی الله عنهم وسیله است نه هدف، زیرا دشمنی آنها با دین است و به وسیله دشمنی با صحابه می‌خواهند دین اسلام را نابود کنند.

می‌خواهند دین را از داخل خراب کنند، می‌خواهند کسانی را که این دین را به ما رسانده‌اند بدنام کنند. زیرا صحابه رضی الله عنهم وارثان حقیقی این دین هستند و این صحابه بودند که دین را به ما رساندند، این صحابه رضی الله عنهم بودند که قرآن و سنت را به ما رساندند.

بله دشمنی با صحابه رضی الله عنهم دشمنی با دین است دشمنی با قرآن است دشمنی با رسول الله ﷺ است. می‌خواهند اساس دین اسلام را خراب کنند.

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُ
وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [التوبة: ۳۲].

«می‌خواهند که نور الله را با دهانهایشان خاموش کنند و الله نمی‌گذارد، مگر آن‌که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناپسند بیندارند.»
وقتی ما از صحابه رضی الله عنهم دفاع می‌کنیم هدف اصلی ما دفاع از دین است، دینی که صحابه رضی الله عنهم به ما رسانده‌اند. هدف ما دفاع از قرآن است، قرآنی که صحابه به ما رسانده‌اند. هدف ما دفاع از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که صحابه رضی الله عنهم به ما رسانده‌اند. زیرا دشمنی و لعن و نفرین و طعن صحابه رضی الله عنهم دشمنی و لعن و نفرین دین است، همان دینی که صحابه رضی الله عنهم برای ما نقل نموده‌اند.

اگر اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌بودند دین اسلام چگونه به ما می‌رسید؟
اگر اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌بودند چگونه ما مسلمان می‌شدیم؟
آری آنها امپراطوری فارس و روم را به خاک ذلت نشانده‌اند. آتشکده‌ها و بتکده‌ها را ویران نمودند و توحید و یکتا پرستی را به سراسر جهان رسانده‌اند.
اصحاب رضی الله عنهم کوه‌های علم و تقوا و جهاد بودند که الله متعال بوسیله آنها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یاری نمود، آری صحابه رضی الله عنهم به یاری الله و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم شتافتند، دین اسلام را نشر کردند و در راه الله جهاد نمودند و شهر و دیار و اهل و اولاد خود را ترک نمودند و مال و جان خود را قربان کردند، آری جان‌های شیرین خود را در طبق اخلاص نهادند و در راه الله صلی الله علیه و آله و سلم فدا نمودند، هدفشان رضای الله صلی الله علیه و آله و سلم و جنت الفردوس بود، و به آنها بشارت جنت از طرف الله صلی الله علیه و آله و سلم داده شد.

﴿وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر آن نهرها روان است، همیشه در آن جاودانند، این است همان کامیابی بزرگ».

اصحاب رضی الله عنهم قومی بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی نمودند وقتی که همه مردم با آن حضرت دشمن بودند، اصحاب کرام، رسول الله صلی الله علیه و آله را تصدیق نمودند وقتی که همه مردم آنحضرت را تکذیب کردند، وقتی که مشرکان آنحضرت را اخراج نمودند همین صحابه بودند که ایشان را با آغوش باز پذیرفتند و با مال و جان خود از ایشان دفاع نمودند، اصحاب رضی الله عنهم، پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست داشتند و آنحضرت نیز اصحاب خود را بی‌نهایت دوست می‌داشتند، صحابه رضی الله عنهم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله راه ایشان را ادامه دادند و دین اسلام را به اقصی نقاط عالم رساندند و در این راه همه چیز خود را فدا نمودند و وصف آنها را در قرآن کریم بجوید که الله عز و جل می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ [یوسف: ۱۰۸].

«بگو: این است راه من با بصیرت به سوی الله دعوت می‌کنم من و پیروانم».

آری الله عز و جل مدح و ستایش اصحاب کرام را در کتاب جاودان خود ذکر نمود تا مسلمانان آن را بخوانند و اصحاب کرام رضی الله عنهم را دوست بدانند، صحابه رضی الله عنهم به خاطر صفات نیکویی که داشتند در قلب انسان‌ها جا گرفتند و قبل از اینکه شهرها را فتح نمایند دل‌ها را فتح نمودند با اخلاق خود با ایمان خود و با جهاد خود، مومنان آنها را دوست دارند زیرا که دوستی با آنها جزو ایمان است و حتی کافرانی که به آنها به چشم انصاف نگریستند آنها را بهترین انسان‌ها در تاریخ بشریت خواندند.

اما منافقانی که در لباس اسلام و مسلمانان خود را پنهان کرده بودند و

به دین مبین اسلام که به سرعت در حال انتشار بود به دیده بغض و عداوت می‌نگریستند و کینه و حسد تمام وجود آنها را فرا گرفته بود خواستند این دین را از درون خراب کنند، این دشمنی از زمانی آغاز شد که مسلمانان در جنگ بدر بر علیه کفار به پیروزی عظیمی دست یافتند و سران کفار به خاک مذلت افتادند و بزرگان آنها اسیر مسلمانان شدند و رسول الله ﷺ و صحابه رضی الله عنهم فاتح و سربلند به مدینه منوره برگشتند و کفاری که در مدینه سکونت داشتند چون این وضع را مشاهده کردند به سرکردگی عبدالله بن ابی بن سلول به ظاهر اسلام آوردند و در باطن به کفر و بغض و کینه خود باقی ماندند و همیشه در پی توطئه و دسیسه برای نابودی اسلام و مسلمین بودند زیرا قلب‌های مملو از کینه و دشمنی آنها هرگز تحمل دیدن پیروزی و پیشرفت مسلمانان را نداشت به همین دلیل از هیچ عملی جهت سرکوبی مسلمانان و از بین بردن آنها دریغ ننمودند که با مطالعه سیرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله میتوان به بسیاری از جنایات آنها علیه مسلمین پی برد از جمله میتوان از تحریک یهود بر ضد مسلمانان تا جمع آوری کفار در جنگ علیه مسلمانان در غزوه خندق و تهمت به ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها همسر پاک رسول الله صلی الله علیه و آله نام برد که به لطف پروردگار همه نقشه‌های شوم آنها باطل و نقش بر آب شد، از طرف دیگر یهودیانی که در مدینه سکونت داشتند و بعد از آمدن اسلام بساط ظلم و تجاوز و طغیان آنها برچیده شده بود و به سبب خیانت‌ها و دشمنی‌های آشکار آنها با رسول الله صلی الله علیه و آله و مسلمانان بعد از وقایع بنی‌نضیر و بنی‌قینقاع به خیبر کوچ داده شده بودند همیشه در پی ضربه زدن به مسلمانان بودند که بلاخره در غزوه مبارک خیبر به شکست و نابودی مواجه گردیده و بقایای آنها از جزیره العرب فرار نمودند، اما دسایس و توطئه‌های یهود بر ضد مسلمانان همچنان ادامه داشت و در پی آن بودند که در فرصت مناسب ضربه‌ای به اسلام بزنند، گاهی به وسیله دشمنی آشکار و گاهی به

وسیلهٔ فریب و نیرنگ که به طور مثال میتوان از فتنهٔ عبد الله بن سبا یهودی نام برد که در زمان سیدنا علی علیه السلام خود را به جامعهٔ مسلمانان زده و با عنوان کردن ولایت و وصایت و محبت علی و اهل بیت، خواست که در بین مسلمانان عداوت، تفرقه و دودستگی اندازد تا مسلمانان بین خود مشغول باشند و جلو پیشرفت و فتوحات اسلامی گرفته شود.

متأسفانه امروزه هم در بین مسلمانان همان شاگردان ابن سلول و ابن سبا با عبا و قبای اسلامی در پی نابودی اسلامند، آنها نمی‌توانند که رسول الله صلی الله علیه و آله، اسلام و قرآن را مستقیماً مورد حمله قرار دهند زیرا در آن صورت چهره کثیف آنها آشکار می‌شود به همین دلیل آمدند و ناقلین دین را مورد طعن قرار دادند، آری اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را که دین اسلام، قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به ما رسانده‌اند مورد طعن قرار دادند تا به این وسیله مسلمانان را در آنچه صحابه رضی الله عنهم نقل نموده‌اند به شک و شبهه اندازند و آنوقت به هدف اصلی که همانا دوری مسلمانان از قرآن و سنت است برسند زیرا اگر کسی در مورد ناقلین قرآن و سنت به شک بیفتد طبیعتاً دربارهٔ قرآن و سنت نیز به شک می‌افتد و این هدف اساسی دشمنان اسلام است که مسلمانان را در مورد کسانی که این دین مبین را به ما نقل نموده‌اند در شک بیندازند و آنوقت است که این مسلمانان شکاک و ظیفهٔ آنها را به شکل احسن انجام می‌دهند و به همین دلیل است که می‌گوییم که طعن در صحابه یعنی طعن در رسول اکرم صلی الله علیه و آله و طعن به قرآن و کلاً طعن به دین مبین اسلام.

الله عز و جل رحمت کند امام ابی زرعه رازی را که به این دسیسهٔ دشمنان اسلام پی برده و آنها را شناخته بود به همین دلیل در جملهٔ زیبایی می‌فرماید:

«اگر دیدید که کسی به یکی از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله طعن می‌کند و آنها را دشنام می‌دهد بدانید که آن شخص زندیق است زیرا در نزد ما رسول

اکرم ﷺ حق است و قرآن حق است و اصحاب رسول الله ﷺ همان کسانی هستند که قرآن و سنت رسول اکرام ﷺ را برای ما نقل کرده‌اند، پس آنکه اصحاب ﷺ را طعن و لعن کند در حقیقت می‌خواهد شاهدان قرآن و سنت را بدنام کند و ما را در مورد دینمان در شک بیندازد به همین دلیل افشای اینگونه اشخاص واجب است زیرا آنها زندق هستند». [کتاب التوحید: ج ۱ / ص ۱۳۱].

من نیز به توفیق الله ﷻ در راستای دفاع از اصحاب رسول الله ﷺ تصمیم گرفتم که رساله کوچک اما پر محتوی «حیة المرضین» نوشته استاد بزرگوار و گرانقدر توفیق مصیری را به فارسی ترجمه نمایم تا برادران و خواهران مسلمان بیشتر با سیرت یاران رسول الله ﷺ در قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ و اقوال علماء خاصتا ائمه اهل بیت ﷺ آشنا شوند. و امیدوارم که الله ﷻ این عمل را در میزان حسنات من و نویسنده و برادران عزیزی که در ترجمه آن همکاری نمودند قرار دهد و همچنین از استاد محترم عبدالله حیدری و برادر عزیز قریب الله مطیع و برادر عزیز ماجد مهاجری که در مراجعه و تصحیح این کتاب همکاری نمودند تشکر نموده از بارگاه رب العزت والجلال برای ایشان و همه برادران و خواهران مسلمان طول عمر و سعادت دارین استدعا می‌نمایم.

لازم به تذکر است که در بعضی از قسمت‌های کتاب مطالبی را بنا بر ضرورت و یا توضیح بیشتر اضافه نموده‌ام که در داخل علامت { } نشاندهی شده است.

به امید پیروزی اسلام و مسلمین

محمد عبداللطیف انصاری

ansariabusaeed@gmail.com

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على محمد و على آله و صحبه اجمعين.

از الله متعال مسألت دارم اين رساله مختصر در دل خواننده ارزش و اعتبار و تأثير لازم را بدست آورد، زيرا موضوع آن: جاىگاه و مقام اصحاب بزرگوار ﷺ است، آنانى كه چشمانشان را با ديدار محبوب عزيزتر از جان خود محمد مصطفى ﷺ سرمه زدند، و ارواحشان را با همنشيني خليل مجتبي صفا و قلبهايشان را با آن علم و دانش و تزكيه، پاكي بخشيدند. علم ودانشى كه از چشمه گواراى علم آن سرور محبوب جوشيده است، آرى اصحاب رسول الله ﷺ روح و روان خويش را از آب حيات چشمه نبوت سيراب نموده و به ملكوت ترقى و تعالى يافتند.

اين رساله با آيات روشن قرآن كريم و احاديث شريف نبوى و موضع گيرى هاى شگفت آور كه بر جاىگاهعالى آن نسل فاضل، نسل تعليم يافته قرآن و شاگردان مكتب رسول الله ﷺ دلالت مى كند مزين شده است.

جوانان مسلمان امروزه بیش از هر چیز نیاز مبرم و شدید به اطلاع و شناخت، نسبت به فضائل یاران پیامبر ﷺ که منبع گرم بودند و در اثر تربیت رسول الله ﷺ به درجات و جایگاه عالی نائل گشتند، دارند، چنان مقام و منزلتی که مانند (قله بلند و شامخ) نمونه و الگو در تاریخ بشری شده‌اند، و امروز جوان مسلمان اگر به خوبی نتواند به چنین نسل نمونه و الگوی بی‌نظیری اقتداء نماید معذور است، زیرا سیرت و اخبار آن برگزیدگان؛ با غبار تحریف و اغراض شخصی و افراط و تفریط، و سوء تأویل پوشیده شده، طوری که نسبت به ایشان چنان غل و غش و کینه در سر می‌پروراند که نعمت ایمان ایشان را انکار می‌کند! در حالی که این یک واجب دینی است بر هر مؤمنی که در حد توان برای تصحیح تاریخ، یا اشتباهاتی که صدر اسلام را زیر سؤال می‌برد تلاش کند، و این کار را از برترین عبادت‌ها به حساب آورد، و آن‌قدر در این راه سعی و تلاش شود تا جوانان مسلمان نمونه و الگویی از بزرگان اسلام و نیاکان صالح و شایسته خویش را پیش روی داشته باشند، و با ایشان تجدید عهد و پیمان نمایند، و راه و روش خویش را [با آینه شفاف ایشان] اصلاح نمایند.

در بیان زیبایی و امتیازات این رساله برای برادران و خواهران گرامی بحث را زیاد طولانی نمی‌گردانم، بلکه شما را با این رساله کوتاه، و جملات عالی و رسا می‌گذارم تا با فضایل و بزرگواری اصحاب ﷺ آشنا گردید و بدانید که آنها شایسته تاج صحبت رسول الله ﷺ هستند، و به همین دلیل به مقام عالی و همدمی و هم‌صحبتی پیامبر اسلام ﷺ نایل شده‌اند،...

توفیق محمد مصیری

فصل اوّل

آیات ثنا و ستایش الله سبحانه و تعالی

کسی نیست که در گفتار و سخن از الله ﷻ راستگوتر، و کلامش واضحتر و پاک و بی‌آلایش‌تر باشد، و نیز کسی چون او تعالی وفادارتر به عهد و پیمان نیست، و تهدید و وعده عذاب او تعالی نیز شدید است. در محضر آیات قرآن کریم کسی جز تصدیق و تسلیم شدن بی‌چند و چرا چاره‌ای ندارد، زیرا برای هیچ کلام و گفتاری جز آنچه کلام پروردگار علام و دانای مطلق است عرصه‌ای و مجالی غیر تصدیق نیست، و وگنجایشی برای هیچ سخنی جز برای فرمایشات گران‌قدر و با عظمت او تعالی نیست، و عقل قاصر بشری کمترین فرصت و اجازه‌ای برای رد یا تأویل و تحریف کلام الله بر اساس هوای نفسانی ندارد....

آن پروردگار بزرگوار و بی‌ظنیر و بی‌همتا اصحاب گرامی رسول الله ﷺ را می‌ستاید، زیرا می‌داند که اهل مدح و ثنا و ستایش هستند، و در محل و جایگاه شرف صحابه‌بودن مستقرند. کلام و علم و اطلاع بی‌نهایت الله متعال محدود به زمان معین نیست، بلکه برای هر عصر و زمانی شایسته است، و این بخش‌هایی از کلام الله است که اصحاب بزرگوار رسول الله ﷺ

با گفتاری زیبا و ستودنی توصیف شده‌اند:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد فرستاده الله است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آنان همواره فضل الله را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است. این، توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد، بگونه‌ای که بزرگران (دهقانان) را به شگفت می‌آورد. تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. الله به کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آموزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد...».

این شهادت و گواهی صریح الله ﷻ است برای اصحاب کرام در یک آیه که مدال افتخار برای ایشان است، همان‌گونه که ابن کثیر رحمته الله علیه در تفسیر این آیه می‌فرماید: «صحابه رضی الله عنهم نیاتشان خالص و کردارشان زیبا است، هر کس به ایشان بنگرد؛ راه و روش بی‌نظیر و شگفت‌انگیز ایشان را می‌بیند...». و امام مالک رحمته الله علیه فرمود: «به من خبر رسیده که هرگاه نصاری (مسیحیان) آن دسته از صحابه را دیدند که سرزمین شام را فتح کردند می‌گفتند: به الله

سوگند آن گونه که به ما ابلاغ شده این‌ها از حواریون عیسی علیه السلام بهترند». راست می‌گفتند، زیرا این امت در کتاب‌های آسمانی گذشته بی‌نهایت مورد تعظیم بوده است، و بزرگوارترین افراد این امت اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند^۱.

بزرگ‌ترین بشارت و وعده به پاداش نیک

الله ﷻ فرمود:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَّتِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتْلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰].

«کسانی از شما که پیش از فتح (مکه) انفاق کرده و بخشیده‌اند و (در راه الله) جنگیده‌اند، (با دیگران) برابر و (یکسان) نیستند. آنان درجه و مقامشان فراتر و برتر از درجه و مقام کسانی است که بعد از فتح (مکه) بذل و بخشش نموده‌اند و جنگیده‌اند. اما به هر حال، الله به همه، وعده پاداش نیکو می‌دهد، و او آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید».

در این آیه الله ﷻ کسانی را مدح و ستایش کرده که چیزهای گرانمایه و نفیس را در راه مولای خود بذل کرده‌اند.

امام خطابی رحمته الله فرموده: «یعنی انفاق و هزینه‌های اندک ایشان در راه الله در حالی که در وضع معیشتی تنگ و بحرانی قرار داشتند، در نظر الله از انفاق و اموال بسیار زیاد کسانی که بعد از آن شرایط سخت، بخشیدند بهتر است».

این بزرگواران که دارای سوابق ایمان و عمل بودند، دارای مقام شرف و جایگاه چنان والا و رفیعی هستند که کسی نمی‌تواند در فضل و عمل به

ایشان برسد، بلکه عمل اندک آن‌ها با عمل دیگران قابل مقایسه نیست هر چند که زیاد باشد، و نیز هر اندازه که دیگران دارای اخلاص و صداقت و یقین و ایمان هم باشند، عملشان با عمل صالح آن بزرگوارن قابل مقایسه نیست، زیرا فضل و بزرگی در دست الله متعال است و آن را به هرکس که بخواهد می‌دهد.

منت و پذیرش توبه در لحظه سخت

الله ﷻ در اظهار منت بر اصحاب پیامبر امین ﷺ، و بیان چگونگی پاداش به ایشان به خاطر پایداری همراه با رسول الله ﷺ در لحظات سخت و بحرانی جنگ فرمود:

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَلْمَنُوا بِمَا كَانُوا يُكْفَرُونَ وَلَمْ يَكُن لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَاعَةٌ أَلْعَسْرَةَ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ يَرْءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«الله توبهٔ پیغمبر و توبهٔ مهاجرین و انصار را پذیرفت. مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی (با وجود گرمای زیاد، کمی وسیله سواری و زاد، فصل درو و چیدن محصول خود) از پیغمبر پیروی کردند (و همراه او رهسپار جنگ تبوک شدند) بعد از آن که دل‌های دسته‌ای از آنان اندکی مانده بود که (از حق به سوی باطل) منحرف شود. (در این حال) باز هم الله توبه آنان را پذیرفت. چرا که او بسیار رؤوف و مهربان است.»

آن بزرگواران برگزیده که در همه میدان‌های جنگ و نبرد حاضر بودند؛ در فضیلت و برتری بر همه مردم پیشی گرفته‌اند، الله ﷻ از همه لغزش‌های آنان گذشت و توبهٔ ایشان را پذیرفت، و به ما فرمان داده که با طلب آموزش و محبت و دوست داشتن آن بزرگواران به الله ﷻ نزدیک شویم، و این را بر زبان پیامبر ﷺ بر ما واجب گردانیده است.

در تفسیر آیه فوق علماء فرموده‌اند: «توبه‌پذیری الله سبحانه و تعالی از پیامبر ﷺ به معنی افزایش برکت و فروزی بر ایشان است، اما نسبت به مهاجرین و انصار یعنی عفو گناه و لغزش‌های آن‌هاست».

اما با چه چیز و چگونه گناه ایشان را عفو می‌کند؟

پاسخ این است: آن‌ها که در روزگار سختی (با وجود گرمای زیاد، کمی وسیله سواری و زاد، فصل درو و چیدن محصول خود) از پیغمبر پیروی کردند، چون این کار بزرگ بود، و از آن‌جا که الله ﷻ به سبب کارهای نیک بزرگ گناهان کوچک را می‌بخشد، آیه فوق بر این حقیقت تأکید نموده و فرمود: ﴿الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾ بنابراین صبر و بردباری و مقاومت در لحظات سخت و بحرانی آن‌قدر بزرگ است که بر اثر آن الله متعال گناهان صغیره را عفو می‌کند.^۱

ابوبکر جصاص رحمته درباره این آیه می‌فرماید:

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي

سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«آن دسته از اصحاب مهاجر و انصار مورد مدح و ستایش قرار گرفته‌اند که در جنگ‌ها همراه رسول الله ﷺ بودند، و نیز این آیه از صحت باطن و پاکی قلب و دل ایشان خبر می‌دهد، زیرا وقتی که الله اعلام کرده توبه ایشان را پذیرفته؛ حتماً از آن‌ها و از کارهایشان هم راضی و خشنود است، و این دلیل قاطع و صریحی است در رد کسانی که به اصحاب رسول الله ﷺ طعنه و زخم زبان می‌زنند، و چیزهایی غیر از آن‌چه الله به آن‌ها نسبت داده از توصیف به درستی درون و صلاح نهان، به آن‌ها نسبت می‌دهند».^۲

۱- تفسیر من هدی القرآن، تفسیر الجدید سوره توبه آیه ۱۱۷.

۲- احکام القرآن، جصاص (۳۷۱/۴).

طاهر بن عاشور رحمته الله فرموده است که: «مهاجرین و انصار مجموع اهل مدینه هستند، و لشکر زمان سختی و لحظات بحرانی (جیش العسره) از آن‌ها و از قبایل دیگر اطراف مدینه تشکیل شده بود، ولی علت این که آن‌ها بطور خصوص مورد مدح و ستایش الله جل جلاله قرار گرفتند این است که اظهار سستی و بی‌علاقگی نکردند، و نسبت به صرف اموال و دارایی‌های خود در راه الله خسیس نبودند، بنابراین آن‌ها برای دیگر قبایل الگویی نیکو شدند».

یاری و صداقت و فضل و خشنودی

الله تعالی می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

«همچنین غنائم از آن فقرای مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل الله و خشنودی او را می‌خواهند، و الله و پیغمبرش را یاری می‌دهند. هم اینان راستانند.»
در این آیه الله سبحانه و تعالی ضمناً مهاجرین را مدح و ستایش کرده که از خانه و کاشانه خویش رانده شدند، و به خاطر رضای الله و پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله دارایی‌های خود را رها کردند، و الله سبحانه و تعالی در خاتمه آیه بر صداقت ایشان گواهی داده‌است.

شگفتا! چه گواهی بزرگ و گرامی و با ارزشی، و تزکیه و گواهی بر پاکی آن‌ها، از سوی پروردگار عالمیان سبحانه و تعالی.

حافظ ابن کثیر رحمته الله می فرماید: الله سبحانه و تعالی در بیان حال آن دسته از فقراء و مستمندان که مستحق اموال (فی^۱) هستند فرمود: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ [الحشر: ۸] یعنی: «کسانی که از سرزمین و دیار خویش رانده شدند، و به خاطر دستیابی به رضایت الله با قوم و خویشان خود به مخالفت برخاستند»، ﴿وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸] «یعنی گفته‌های خود را با عمل تصدیق و ثابت کردند، و آن‌ها سروران و برترین افراد مهاجرین بودند^۲».

باغ‌های بهشت و خوشنودی بالاتر از همه چیز الله عز و جل

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰]

«پیشگامان نخستین مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله از آنان خوشنود است و ایشان هم از الله خوشنودند، و الله برای آنان باغ‌هایی (بهشت) را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند. این است پیروزی و رستگاری بزرگ».

علامه شنقیطی رحمته الله فرموده: «در این آیه الله متعال با صراحت بیان فرموده که از پیشگامان نخستین مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند خوشنود

۱- (فی) اموالی است که بدون جنگ و درگیری از دشمن بدست مسلمانان می‌افتد.

۲- تفسیر ابن کثیر (۶/۵۶۰).

است، و این یک دلیل قاطع قرآنی است که هر کس آن‌ها را فحش و ناسزا گوید، گمراه و مخالف الله و رسول اوست، زیرا نسبت به کسی کینه و دشمنی داشته که الله از او راضی و خشنود است، و بدون شک خشم و کینه نسبت به چنین کسانی، دشمنی و سرکشی و طغیان علیه الله ﷻ است^۱.

جایگاه خوب دنیا و پاداش بزرگ‌تر اخروی

الله ﷻ فرمود:

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَلَا جَزَاءَ لَآخِرَةٍ أَكْبَرَ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾﴾ [النحل: ۴۱].

«کسانی که برای الله (به مدینه) هجرت کردند، پس از آن که (در مکه) مورد ظلم و ستم قرار گرفتند، در این دنیا جایگاه و پایگاه خوبی بدانان می‌دهیم، و پاداش اخروی (ایشان از پاداش دنیوی آنان) بزرگ‌تر است اگر بدانند».

این آیه مهاجرین را مورد ستایش قرار می‌دهد که اقوام و سرزمین و وطن خویش را به خاطر الله و دشمنی با کفر و کافران ترک کردند، و این هم زمانی بود که در راه الله مورد آزار و اذیت و ظلم و دشمنی قرار گرفتند، سپس الله ﷻ آنان را به مسکن و جایگاه بسیار مناسبی که مورد پسند و علاقه ایشان است، و نیز پاداش بزرگ در بهشت وعده داده است.

ایمان و یاری، خشنودی و رستگاری

از جمله آیات قرآن کریم که فضل و سروری و بزرگواری اصحاب را بیان کرده این آیه است که می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ
 فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ
 الصَّادِقُونَ﴾^(۸) وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجِبُونَ مَنْ هَاجَرَ
 إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ
 وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ
 الْمُفْلِحُونَ﴾^(۹) [الحشر: ۸-۹].

«همچنین غنائم از آن فقرای مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل الله و خوشنودی او را می‌خواهند، و الله و پیغمبرش را یاری می‌دهند. هم اینان راستانند. آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه را آماده کردند (انصار در مدینه منوره) و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون رغبت و احساس نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارانند.»

در این آیه مهاجرین را به صداقت، و انصار و یاری کنندگان را به فلاح و رستگاری توصیف نموده است، زیرا آن‌ها ﴿وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^(۱۰) الله و رسولش را یاری می‌دهند، که موضع‌گیری‌های آنها و یاری در غزوات رسول الله ﷺ و دیگر فتوحات اسلامی آشکار است...

و همچنین کسانی را که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند به داشتن ایمان توصیف فرموده، و یکی از مقتضیات و لوازم ایمان انسان مسلمان دوست داشتن آن بزرگواران، و عدم کینه و ناخشنودی نسبت به ایشان، و طلب آموزش و عفو الله برای آنان است، و عدم وجود این نشانه‌ها

در هر کسی علامت ضعف یا عدم وجود ایمان است، چه رسد به شدیدتر از این‌ها.

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند ببامرز و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، هیچ غلی (کینه و غش و بغض و حسدی) قرار نده، پروردگارا تو داری رأفت و رحمت فراوانی.»

همچنین الله متعال اصحاب پیامبر ﷺ را توصیف فرموده به این که:

﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد فرستاده الله است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آنان همواره فضل الله را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است.»

علی بن ابی‌طالب علیه السلام هم در نهج البلاغه خطبه ۹۷ در این باره فرموده:

«لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَ مَا أَرَى أَحَدًا يُشْبِهُهُمْ مِنْكُمْ لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ شُعْثًا غُبْرًا وَ قَدْ بَاتُوا سُجَّدًا وَ قِيَامًا يُرَاحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَ خُدُودِهِمْ وَ يَقِفُونَ عَلَى مِثْلِ الْحُمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ كَأَنَّ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ رُكْبَ الْمِعْزَى مِنْ طُولِ سُجُودِهِمْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ هَمَلَتْ أَعْيُنُهُمْ حَتَّى تَبْلُ جُيُوبَهُمْ وَ مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ وَ رَجَاءً لِلنَّوَابِ».

«من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیده‌ام، اما هیچکدام از شما را مانند آنان

نمی‌بینم، آنها (در تنگنای مشکلات صدر اسلام) موهائی پراکنده و چهره‌هائی غبار آلوده داشتند: شب تا به صبح در حال سجده و قیام به عبادت بودند، گاه پیشانی و گاه گونه‌ها را در پیشگاه الله بخاک می‌گذارند، از وحشت رستاخیز همچون شعله‌های آتش، لرزان بودند. پیشانی آنها از سجده‌های طولانی پینه بسته بود، و هنگامی که نام الله برده می‌شد آنچنان چشمشان اشکبار می‌شد که گریبان آنها تر می‌گردید، و همچون بید که از شدت تند باد بخود می‌لرزد، می‌لرزیدند (اینها همه) از ترس مسئولیت و امید به پاداش الهی بود».

برادر و خواهر عزیز! اگر که الله دانای آگاه به ما امر فرموده که از ایشان راضی باشیم و برایشان طلب آموزش نماییم، حال کسانی که صحابه رسول الله ﷺ را هدف فحش و طعن و لعن و مسخره و ناسزاگویی قرار می‌دهند چگونه است!؟

توجه نمایید که امام ذهبی رحمته الله علیه در رابطه با این گروه گمراه که با صحابه دشمنند چه می‌فرماید:

«هر کس نسبت به ایشان طعنه بزند، و ایشان را ناسزا گوید، قطعاً از ایمان و از دین و کیش مسلمین خارج شده است، زیرا فحش و ناسزاگویی جز از روی اعتقاد به بد بودن ایشان و کینه‌ورزی و انکار و تکذیب مدح و ستایشی نیست که الله و پیامبر ﷺ نسبت به آنان و فضایل و ویژگی‌های وارسته ایشان، و دوست داشتن آنها بیان فرموده است... و طعنه و انتقاد از واسطه (کسانی که دین الله را به ما رساندند)، طعنه به اصل است، و زیر سؤال بردن کسانی که این شریعت را به ما نقل و روایت کرده‌اند. و زیر سؤال بردن آنها، زیر سؤال بردن اصل دین اسلام است، و این نکته برای هر کسی که تأمل کند، و از نفاق و زندقه و الحاد در عقیده سالم و مبراء باشد آشکار و هویدا است...»^۱.

الله ﷻ در میان‌شان الفت و محبت ایجاد نمود

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۲].

«و در میان آنان الفت ایجاد نمود (و دل‌های آنان را به هم نزدیک و مهربان کرد، به گونه‌ای که) اگر همه آنچه در زمین است صرف می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان انس و الفت برقرار سازی. ولی الله (با هدایت آنان به ایمان و دوستی و برادری) میان‌شان انس و الفت انداخت، چرا که او عزیز و حکیم است.»

بنابراین الله متعال در میان قلب‌هایشان الفت و محبت و علاقه بوجود آورد، و پیامبرش ﷺ را در جنگ بدر و معرکه‌های بعدی به وسیله ایشان یاری کرد.

همان‌گونه که تأیید و ستایش الله متعال در مورد صحابه رضی الله عنهم تفاوت درجه و جایگاه مختلف، و وعده ایشان به بهشت؛ بزرگترین دلیل است بر مبراء بودن آنها از هر تهمت، و این شهادت الله متعال و گواهی رسول الله صلی الله علیه و آله است به ایمان صادق و کامل ایشان.

بیعت الرضوان... و نزدیک شدن پیروزی

الله متعال فرمود:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸].

«الله از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند. الله می‌دانست آنچه را که در درون دل‌هایشان نهفته بود، لذا اطمینان خاطری به دل‌هایشان داد، و فتح نزدیکی را پاداششان کرد.»

این آیه هم بیانگر رضایت و خشنودی و پاک دانستن خالق ﷻ و مدح و ستایش و آگاهی و اطلاع از قلب و نهان آن‌هاست، پس هرگز نسبت به ایشان ناخشنود نمی‌شود.

ابومحمد ابن حزم رحمته می‌فرماید: «از جمله چیزهایی که الله ﷻ به ما خبر داده این است که می‌دانست در درون دل‌هایشان صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام نهفته است، لذا اطمینان خاطری به دل‌هایشان داد، پس هرگز برای هیچ کس جایز و حلال نیست در مورد آن بزرگواران شک و تردید داشته باشد».

همچنین از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود:

«الله ﷻ به ما خبر داده که از آن دسته از اصحاب که زیر درخت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند راضی و خشنود است، و می‌دانست که (صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام) در درون و دل‌هایشان نهفته است. آیا بعد از آن به ما خبر داده که از آن‌ها ناراضی شده؟».

این آیاتی که از قرآن برگزیدیم نمونه‌ای از آیات بشماری است که بیانگر این حقیقت‌اند که صحابه کرام رضی الله عنهم دارای آن چنان مقام و منزلت والا و مرتبه رفیع و بلندی هستند که انسان هر اندازه قدم بلند کند، و مقامش ترقی کند، و سلطنت و جایگاهش عالی باشد و یا تقوا و پرهیزکاری پیشه نماید بدان نخواهد رسید، پس گرد و غبار هر کدام از ایشان که بر اثر همراهی با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر تن آن‌ها نشسته از طلا و نقره‌ای که دیگران انفاق می‌کنند نزد الله متعال بهتر و برتر است.

شگفتا صحابه بودن چه مقام با عظمتی است، و رفاقت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چقدر با عظمت است! خوشا به حالتان ای اصحاب گرانقدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

فصل دوم: نسیمی از عطر سنت نبوی ﷺ

پیامبر گرامی ﷺ با زبان و کلام زیبای خویش جایگاه والای اصحاب و دوستی و علاقمندی و محبت خالصانه نسبت به ایشان را تأیید نموده‌اند، و چیزهایی از ایشان دیده و دانسته‌اند که موجب خنک شدن سینه و سرور قلب و شادی روح ایشان گردید!

چگونه پیامبر عزیز ﷺ در مورد فضایل و بزرگواری اصحاب بزرگوار امتش را با خبر نکند، حال آن‌که آن‌ها ایشان را در برابر کفار و مشرکین پناه دادند و یاریش نمودند، و در راه ایشان همه چیز خویش را فدا کردند! و چطور از آن‌ها دفاع نکند؛ در حالی که الله سبحانه و تعالی به ایشان وحی نموده که پاداش نیکی جز نیکی نیست؟!.

برادر و خواهر عزیز! اینک گلچینی از فرمایشات گهربار و عطر آگین پیامبر گرامی ﷺ را ذکر می‌کنم:

صحابه... صحابه

رسول الله ﷺ با بیانی زیبا و دل‌نشین اصحاب گرامی را چنین به تصویر می‌کشند:

ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغْزُو فِيهِ فِتْنًا مِنَ النَّاسِ، فَيَقَالُ لَهُمْ: هَلْ فِيكُمْ مَنْ صَحِبَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيُفْتَحُ لَهُمْ، ثُمَّ يَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ، فَيَقَالُ: هَلْ فِيكُمْ مَنْ رَأَى مِنْ صَحْبِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيُفْتَحُ لَهُمْ، ثُمَّ يَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ، فَيَقَالُ لَهُمْ: هَلْ فِيكُمْ مَنْ رَأَى مِنْ صَحْبِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيُفْتَحُ لَهُمْ».

«زمانی خواهد آمد که گروهی از مردم به جنگ و جهاد می‌روند، از آن‌ها سؤال می‌شود: آیا در میان شما کسی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله هست؟ گفته می‌شود: آری، پس راه بر ایشان باز می‌شود و نصرت نصیبشان می‌گردد، سپس زمانی بر مردم خواهد آمد که گروهی از مردم راهی جهاد در راه الله می‌شوند، سپس از ایشان سؤال می‌شود: آیا در میان شما کسی هست که اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را دیده باشد؟ گفته می‌شود آری، پس راه برایشان گشوده می‌گردد و فتح و نصرت نصیبشان می‌شود».

امام نووی رحمته الله فرموده: «در این حدیث چند معجزه رسول الله صلی الله علیه و آله و فضل و بزرگواری صحابه و تابعین آن‌ها وجود دارد».

سبحان الله! از آن همه عظمت و کرامت و فضیلت و ثنا و مدح و تزکیه که اصحاب رضی الله عنهم از آن برخوردار هستند که بعد از پیامبران علیهم السلام برای کسی نبوده و نخواهد بود!

بهترین امت ... ستاره‌های آسمان

پیامبر صادق و مصدوق رضی الله عنهما درباره نیکی و بزرگواری آن نسلی که همنشین و همدم ایشان بودند سخن می‌گویند و آنها را به بهترین کلمات

۱- روایت بخاری (۲۸۹۷) و مسلم (۲۵۳۲).

۲- شرح نووی بر صحیح مسلم (۸۳/۱۶).

می‌ستایند، چرا چنین نباشد؟ مگر همین صحابه جان نثار و فداکار نبودند که جان و مال و همه چیز خود را فدای اسلام و پیامبر ﷺ نمودند؟
عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که از پیامبر ﷺ سؤال شد: بهترین مردم چه کسانی هستند؟ فرمودند:

«خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَجِيءُ أَقْوَامٌ تَسْبِقُ شَهَادَةَ أَحَدِهِمْ يَمِينَهُ وَيَمِينُهُ شَهَادَتَهُ». «بهترین مردم، کسانی هستند که در عهد و زمان من بسر می‌برند (صحابه). و بعد، کسانی که بعد از آنها می‌آیند (تابعین). و سپس کسانی که پس از آنها می‌آیند (تبع تابعین). و بعد از آنان، کسانی می‌آیند که گاهی قبل از سوگند خوردن، گواهی می‌دهند و گاهی قبل از گواهی دادن، سوگند می‌خورند. یعنی تقوا ندارند و براحتی گواهی می‌دهند و سوگند می‌خورند»^۱.

امام نووی رحمته الله فرمود: «علماء اتفاق نظر دارند که مراد از بهترین قرن، زمان پیامبر ﷺ و صحابه کرام می‌باشد»^۲.

کوهی از طلا و مقام والا

ابوسعید خدری از رسول الله ﷺ روایت کرده که ایشان فرمودند:
«لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»^۳. «اصحاب من را دشنام ندهید، اگر کسی از شما به اندازه کوه احد، طلا اتفاق کند، ثواب آن به اندازه کف دو دست آنها و حتی نصف آن نمی‌رسد».

۱- بخاری (۲۶۵۲)، و مسلم (۲۵۳۳).

۲- شرح نووی بر صحیح مسلم (۸۳/۱۶).

۳- بخاری (۳۶۷۴) مسلم (۲۵۴۰) (مد، پیمانان ای است که برخی آنرا به اندازه پُری دوکف دست دانسته‌اند).

این حدیث هم مدال افتخار و تصریحی است در باره علو مقام و رتبه والای صحابه کرام بطوری که طمع را از هر کسی که باشد در مورد نزدیک شدن به مقام شامخ ایشان قطع می‌کند، زیرا پاداش انفاق طلا به اندازه کوه اُحد به پاداش صدقه دادن نصف مُد (یک مشت گندم) آنان نمی‌رسد که اگر آسیاب شود و به خمیر تبدیل گردد بیش از یک نان عادی نیست، و این مسأله بسیار بزرگی است^۱».

و عظیم‌آبادی رحمته می‌فرماید:

«پاداش انفاق و صدقه دادن به اندازه کوه اُحد از شما! به پای فضیلت کف دو دست آنها و حتی نصف آن نمی‌رسد، زیرا صدقهٔ ایشان مقارن و همراه اخلاق و نیت صادق است، علاوه بر نیاز شدید و ضرورت کم و بیش، آن خوراک که می‌دهند^۲».

این است مقام کسی که مشرف به هم‌صحبتی و هم‌نشینی با پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله و سلم شده است، پس کسانی که به چنین افتخاری نائل نشده‌اند، چگونه با آن بزرگوارن قابل مقایسه هستند؟!.

واقعاً فاصلهٔ بسیار زیادی است، و فاصلهٔ صحابه کرام و غیر ایشان بسیار از هم دور است، خاک با ستارهٔ ثریا خیلی فاصله و تفاوت دارد، بلکه زمین هفتم بسیار از آسمان هفتم دور است، این هم فضل الله است؛ الله سبحانه و تعالی آن را به هرکس که بخواهد عطاء می‌کند. و الله سبحانه و تعالی دارای فضل فراوان و انعام بیشمار است، و از مستحقان آن آگاه است.

۱- نگاه: السیره الحلبیه (۳/۲۱۲).

۲- عون المعبود (۱۲/۲۶۹).

رؤیت و ایمان، بهشت و رضوان

از ابو عبدالرحمن جهنی رضی الله عنه روایت است که فرمود:

«بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ طَلَعَ رَاكِبَانِ، فَلَمَّا رَاهُمَا، قَالَ: كِنْدِيَانِ مَذْحِجِيَانِ، فَلَمَّا أَتِيَاهُ فَإِذَا رَجُلَانِ مِنْ مَذْحِجٍ فَدَنَا أَحَدُهُمَا لِيُبَايِعَهُ، فَلَمَّا أَخَذَ بِيَدِهِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ مَنْ رَأَى فَاَمَّنَ بِكَ وَصَدَّقَكَ فَاتَّبَعَكَ؟ مَاذَا لَهُ؟ قَالَ: طُوبَى لَهُ، قَالَ: ثُمَّ مَسَحَ عَلَى يَدِهِ فَأَنْصَرَفَ، ثُمَّ أَتَاهُ الْآخَرُ حَتَّى أَخَذَ بِيَدِهِ يُبَايِعُهُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ مَنْ رَأَى فَاَمَّنَ بِكَ وَصَدَّقَكَ فَاتَّبَعَكَ؟ مَاذَا لَهُ؟ قَالَ: طُوبَى لَهُ». «روزی نشسته بودیم که ناگهان دو نفر سواره ظاهر شدند، رسول الله ﷺ فرمودند: دو نفر از قبیله کندی و مذحجی هستند، تا این که نزد رسول الله ﷺ آمدند و دو مرد مذحجی بودند، یکی از آن‌ها نزدیک شد تا با حضرت بیعت کند، دستشان را گرفت و گفت:

ای رسول الله آیا کسی که شما را دیده و به شما ایمان آورد و پیروی کند و تصدیقتان نماید چه پاداشی دارد؟».

فرمودند: درخت «طوبی» برای اوست، او دست رسول الله ﷺ را لمس کرد و برگشت، سپس دیگری آمد و بیعت کرد و همان سؤال را پرسید، و رسول الله ﷺ هم همان جواب را دادند^۱.

«طوبی» نام درختی است در بهشت که در هر اتاقی از اتاق‌های بهشت شاخه‌ای از آن هست^۲.

۱- مسند امام احمد ش (۱۷۳۸۸)، طبرانی در معجم الکبیر (۷۴۲/۲۲)، و بزار در کشف الاستار (۲۷۶۹)، و هیشمی در مجمع الزوائد (۱۸/۱۰) نقل کرده و گفته: سند آن حسن است.

۲- نگاه: تفسیر القرآن العظیم (۸۹/۴).

چه حاضر و چه غایب... در نماز و جهاد

از سعید بن جبیر روایت است که فرمود: «جای ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و سعد و عبدالرحمن بن عوف و سعید بن زید بن عمرو بن نفیل در جنگ و نبرد جلو رسول الله ﷺ و در صف نماز پشت سر ایشان بود، و هیچ کدام از مهاجرین و انصار در جای یکی از آنها قرار نمی‌گرفتند، چه آنها حاضر بودند و چه غایب»^۱.

وصیت پیامبر ﷺ: اصحاب مرا آزار ندهید

از سهل بن مالک رضی الله عنه روایت است که وقتی رسول الله ﷺ از مکه به مدینه بازگشتند برای ایراد خطبه و بیانات به پا ایستادند و بعد از حمد و ستایش الله فرمودند:

«أیها الناس إن أبابکر الصدیق لم یسؤنی قط فاعرفوا ذلك له یا ایها الناس إنی راض عن أبی بکر وعمر وعثمان وعلی وطلحة والزبیر وعبد الرحمن وسعد وسعید بن زید والمهاجرین الأولین فاعرفوا ذلك لهم یا ایها الناس إن الله تعالی قد غفر لأهل بدر والحدیبة یا ایها الناس لا تؤذونی فی أصحابی ولا فی أصهاری ولا یطالبنکم أحد منهم بمظلمة فإنها مظلمة لا توهب فی القيامة لأحد من الناس یا ایها الناس ارفعوا ألسنتکم عن المسلمین وإذا مات السمیت فقولوا فیہ خیرا». «ای مردم! هرگز ابوبکر صدیق با من بدی نکرده، پس این حق وفضیلت را برای او بشناسید، من از ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و عبدالرحمن و سعد و سعید بن زید، و مهاجرین اول راضی هستم، پس قدر ایشان را بدانید، ای مردم! همانا الله تعالی از اهل بدر و حدیبیه درگذشت و آنها را مورد مغفرت قرار داد، ای مردم در مورد اصحاب و دامادهایم مرا اذیت

نکنید، و کسی از شما درخواست رد حق و حقوق و ستم نکند، زیرا در قیامت چیزی وجود ندارد که حقوق مردم از آن پرداخت شود، ای مردم! زبان خود را از بدگویی مسلمین بردارید، و هرگاه کسی از دنیا رفت نیکی‌هایش را بگویید^۱». پس ای برادر و خواهر مسلمان!.

آیا پیامبر ﷺ از احوال ایشان بیشتر آگاه نبودند؟ آیا پیامبر ﷺ در سختی و آسانی با ایشان نزیستند؟ و آیا نمی‌دانستند که آنها از چنان اخلاصی برخوردارند که موجب شد چنین احادیث صحیح و دارای دلالت‌های صریح و معانی فصیح را در حق آنها بفرمایند؟ حاصل سخن اینکه احادیث وارد شده در فضایل اصحاب کرام بسیار و مشهور، و حتی متواتر هستند، شیخ الاسلام ابن تیمیه: فرمود: «این احادیث در مورد فضایل صحابه و ستایش آنها، و برتری دادن قرنشان بر قرن‌های بعدی مستفیض و مشهور و حتی متواتر هستند، و زیر سؤال بردن آنها، در واقع نقد و زیر سؤال بردن قرآن و سنت است^۲».

۱- منبع سابق.

۲- مجموع فتاوی شیخ الاسلام (۴/۴۳۰).

فصل سوّم

مدح و ستایش متبادل

از جمله موضع‌گیری‌های نقل شده که نشان‌دهنده ارتباط محکم و عمیق بین اهل بیت و صحابه گرامی است موارد ذیل هستند:

اول: اهل بیت صحابه را دوست دارند

اصحاب موسی علیه السلام و اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

به خاطر موقعیت شامخ و والای اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت موسی علیه السلام آرزو کرد که آن دسته از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را ببیند که حایز این همه فضل و برتری هستند.

از علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده که فرمود:

«وقتی که الله تعالی موسی بن عمران علیه السلام را به پیامبری برگزید، و دریا را برایش شکافت، و بنی اسرائیل را نجات داد، و تورات و لوحه‌هایش را به او داد و دید که نزد الله چه جایگاهی دارد، موسی عرض کرد: پروردگارا، اگر آل محمد چنین هستند آیا در میان اصحاب پیامبران کسی از اصحاب من

گرامی تر هست؟ الله سبحانه و تعالی فرمود: ای موسی آیا نمی دانی که فضل و برتری اصحاب محمد بر اصحاب همه پیامبران مانند فضل آل محمد بر سایر آل پیامبران هست، و نیز مانند فضل محمد بر سایر پیامبران می باشد، موسی علیه السلام فرمود: پروردگارا ای کاش آن‌ها را می دیدم، الله سبحانه و تعالی به او وحی کرد که ای موسی تو آن‌ها را نمی بینی، زیرا زمان ظهور ایشان فرا نرسیده، لیکن بعداً ایشان را در بهشت و در محضر محمد صلی الله علیه و آله ملاقات خواهی کرد که در میان نعمت‌ها و خیرات بهشت در گردش اند^۱.

صحابه بودن ... ابتلا و یاری

علی بن الحسین زین العابدین رضی الله عنه در یکی از دعاهایش در صحیفه سجادیه می فرماید:

«اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَكَانَفُوهُ، وَأَسْرَعُوا إِلَىٰ وَقَادَتِهِ، وَسَابَقُوا إِلَىٰ دَعْوَتِهِ، وَأَسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَاتِهِ.

وَفَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَقَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ، وَأَنْتَصَرُوا بِهِ. وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ. وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَأَنْتَفَتَ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ. فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ، وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشُوا الْخُلُقَ عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةَ لَكَ إِلَيْكَ.

وَأَشْكُرُهُمْ عَلَىٰ هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَىٰ ضَيْقِهِ، وَمَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِيهِمْ. اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ

۱ - بحار الانوار: (۳۴۰/۱۱۳)، تفسیر امام عسکری: (ص: ۳۱)، تأویل الآیات: (ص: ۴۱۱).

بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرٌ
 جَزَائِكَ. الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَمَصَّوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ. لَمْ يَثْبُتْ
 رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَالْإِثْتِمَامَ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ.
 مُكَانِفِينَ وَمُؤَارِزِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَفَقَّهُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا
 يَتَهَمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
 وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَعَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ. صَلَاةً تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ
 مَعْصِيَتِكَ، وَتَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَتَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ،
 وَتُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَاثُواكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ إِلَّا
 طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ».

«بارالها، به اصحاب محمد ﷺ به خصوص همان کسانی که به نیکی هم
 صحبتی کردند و آنانکه در یاریش از عهده امتحان پایداری بخوبی بر آمدند و
 با او مددکاری کردند، و به تصدیق رسالتش شتافتند و به پذیرفتن دعوتش
 سبقت گرفتند. و چون حجت رسالت خود را به آنها ابلاغ کرد او را اجابت
 کردند و در راه پیروز ساختن رسالتش از همسران و فرزندان مفارقت گزیدند
 و برای تثبیت نبوتش با پدران و پسران خود کارزار کردند و به برکت او
 پیروزی یافتند، و آنان که محبت او را در جان و دل می‌پروردند و در
 دوستیش امید تجارتي ایمن از زیان و کساد می‌داشتند و آنانکه چون به
 ریسمان دین آن حضرت چنگ زدند قبائلشان از ایشان دوری کردند، و چون
 در سایه خویشاوندی او مسکن گزیدند خویشان از ایشان بیگانه گشتند. پس
 بارالها! گذشتی را که برای تو و در راه تو انجام دادند از نظر دور مدار، و به
 سبب آن فداکاری‌ها و در برابر آنکه خلق را بر تو گرد آوردند و با پیغمبرت از
 جمله داعیان بسوی تو بودند، ایشان را از خشنودی خود خشنود ساز. و
 سعی ایشان را به پاس آنکه در راه تو از شهر و دیار قوم خود هجرت کردند و

خویش را از فراخی زندگی به سختی و تنگی در افکندند، مشکور دار و (همچنین) آنان را که برای اعزاز دینت بسیار مورد مظلومیت قرار گرفتند خشنود فرما. الهی، بهترین پاداش خود را به پیروان اصحاب در راه ایمان و عمل صالح برسان: آنانکه می‌گویند:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، هیچ غلی (کینه و غش و بغض و حسدی) قرار نده پروردگارا تو دارای رأفت و رحمت فراوانی».

بار الها بهترین پاداش را هم به آنان بده که سمت و سوی اصحاب را گرفتند. پروردگارا، همان پیروانی که آهنگ طریقه صحابه کردند، در حالی که هیچ شبهه‌ای آنان را از عقیده خود برنگرداند و در پیروی آثار و اقتداء به علامات هدایت صحابه هیچ شکی خاطرشان را پریشان نساخت: معاونین و مساعدین صحابه‌اند چنانکه در دین پیرو ایشان و در اخلاق پویای راه آنانند در تعظیم شأن صحابه اتفاق می‌ورزند و در اخبار و احکامی که از پیغمبر ابلاغ می‌کنند متهمشان نمی‌دارند. بارالها! از امروز تا روز جزا بر تابعین صحابه و بر همسران و اولادشان و بر هر کدامشان که ترا اطاعت کرده‌اند رحمت فرست، چنان رحمتی که بوسیله آن ایشان را از نافرمانی خود نگاهداری، و در باغهای بهشت در وسعت و رفاه قرار دهی، و آنان را به یمن آن از مکر شیطان باز داری، و در هر کار خیر که از تو مدد خواهند اعانت کنی، و از حوادث شب و روز مگر پیش آمدی که مزده خیر دهد نگهشان داری^۱».

۱- صحیفه سجادیه، مصطفی درایتی، عباس علی زاده، سید موسی صدر (تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۷، ص ۳۵۶-۳۵۵).

آری برادر و خواهر عزیز! این دعای امام زین العابدین علیه السلام، فرزند حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام می باشد که به بهترین کلمات اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را می ستاید، این است عقیده و مذهب اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ای کاش کسانی که ادعای پیروی از اهل بیت می کنند این را می دانستند.

عبادت... و تضرع و زاری

و از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام روزی برای امامت نماز صبح در عراق به نماز ایستاد، وقتی منصرف شد شروع به موعظه کرد، و از بیم الله بیم الله گریه گرد و مردم را به گریه انداخت، سپس فرمود:

«به الله سوگند در زمان خلیل و عزیزم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با کسانی در ارتباط بودم که ژولیده و غبار آلود و گرسنه صبح را به شب و شب را به روز می رسانیدند، پیشانی و سجده گاهشان مانند زانوی بُز (در اثر سجده زیاد) پینه بسته بود، شب را با سجده و رکوع و ایستاده در نماز سپری می کردند، گاهی روی پا و گاهی بر پیشانی قرار داشتند، با پروردگارشان مناجات می کردند، و از او درخواست نجات از آتش دوزخ می کردند، به الله سوگند با وجود همه این ها از ترس الله نگران و بیمناک بودند»^۱.

و از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود:

«قَالَ صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْفَجْرَ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ فِي مَوْضِعِهِ حَتَّى صَارَتْ الشَّمْسُ عَلَى قَيْدِ رُمْحٍ وَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ أَدْرَكْتُ أَقْوَامًا يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجْدًا وَقِيَامًا يَحَالِفُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَرُكْبِهِمْ كَأَنَّ زَفِيرُ النَّارِ فِي أَدَانِهِمْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ مَا دُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ». «امیر المؤمنین علیه السلام نماز

۱ اعلام الدین فی صفات المؤمنین دیلمی (ص ۱۱۱).

صبح را به جا آورد، سپس در جایش باقی ماند تا این که خورشید به اندازه یک نیزه بالا آمد، سپس روی به مردم کرد و فرمود: به الله قسم با اقوامی زیسته‌ام که شب را با سجده و قیام برای پروردگارشان می‌گذرانیدند، گاهی بر زانو و گاهی روی پیشانی قرار داشتند، گویی صدای آتش در گوششان است، وقتی که نزد ایشان الله یاد می‌شد مانند (شاخه‌های بید) می‌لرزیدند^۱».

حد تهمت برای آن که از مقام صحابه بکاهد

همچنین امام علی علیه السلام بارها روی منبر کوفه تکرار می‌کرد و می‌فرمود: «لَا أُؤْتَى بِأَحَدٍ يَفْضُلُنِي عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ إِلَّا جَلَدْتَهُ حَدَّ الْمُفْتَرِي». «هر کس را به اتهام برتری دادن من بر ابوبکر و عمرم پیش من بیاورند حد تهمت را بر او اجرا خواهم کرد^۲».

دوم: صحابه علیهم السلام اهل بیت علیهم السلام را می‌ستایند

اذیت علی اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله است

روزی حضرت عمر رضی الله عنه دید مردی علی رضی الله عنه را ناسزا می‌گوید، عمر رضی الله عنه فرمود:

«وای بر تو! آیا علی را نمی‌شناسی؟ او پسر عموی صاحب این قبر است (و به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد)، به الله سوگند او را در قبرش اذیت کردی».

و در روایت دیگر آمده است: «او را به خشم آوردی و این را در قبرش اذیت کرده‌ای»^۳.

۱- منبع سابق همان صفحه و اصول کافی جلد ۲ ص ۴۷۵.

۲- بحار الانوار مجلسی (۱۰/۴۱۷، ۴۹/۱۹۲، ۱۰۹/۱۲۷).

۳- تاریخ دمشق (۴۲/۵۱۹).

نخستین خویشاوند پیامبر ﷺ

و از شعبی روایت شده که فرمود: «علی بن ابی طالب ﷺ از کنار ابوبکر ﷺ عبور کرد در حالی که تعدادی از یارانش همراه او بودند، علی ﷺ بر ایشان سلام کرد و رفت، سپس ابوبکر ﷺ فرمود: هر کس دوست دارد به اولین مسلمان و نزدیک‌ترین خویشاوند به رسول الله ﷺ نگاه کند، علی بن ابی طالب را بنگرد»^۱.

دوست داشتن اهل بیت

و از ابوبکر صدیق ﷺ روایت است که در مورد تفسیر آیه که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [الشوری: ۲۳]. «از شما بر آن هیچ مزدی نمی‌طلبم جز دوستی در قرابت را و هر کس کار نیکی کند برایش در آن نیکی، حُسن را می‌افزاییم (با مضاعف ساختن ثواب آن نیکی) قطعاً الله آمرزنده و شکور است» ابوبکر ﷺ فرمود: در رابطه با اهل بیت مراقب پیامبر ﷺ باشید»^۲.

بیشتر به پیامبر ﷺ شباهت دارد

ابوبکر صدیق ﷺ برای ادای نماز عصر به مسجد رفت و علی مرتضیٰ ﷺ نیز همراهش بود، ناگهان حسن ﷺ را دید که در میان بچه‌ها بازی می‌کرد، ابوبکر ﷺ او را روی شانه خود گذاشت و فرمود: «به پیامبر ﷺ شباهت دارد نه به علی، و علی می‌خندید»^۳.

۱- موسوعة الامام علی بن ابی طالب فی الكتاب و السنة و التاريخ، ری شهری (۳۰۲/۸).

۲- الامام علی فی آراء الخلفاء / مهدی فقیه ایمانی (ص ۴۶).

۳- بحار الانوار مجلسی (۲۸۷/۴۳، ۳۰۱).

شیخین علیه‌السلام سر علی رضی‌الله‌عنه را می‌بوسند

وقتی که علی مرتضی رضی‌الله‌عنه عمرو بن ود را در غزوه خندق به قتل رسانید، ابوبکر رضی‌الله‌عنه برخاست و سر علی را بوسید. و در روایت دیگر آمده که ابوبکر و عمر رضی‌الله‌عنه... سرش را بوسیدند^۱.

جایگاه شنوایی و بینایی و قلب

از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی روایت است که فرمود: علی بن محمد بن علی رضا از پدرش، و او از پدراش، از حسن بن علی رضی‌الله‌عنه روایت کرده که رسول الله صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم فرمودند: «همانا ابوبکر در نزد من در جایگاه شنوایی است، و عمر نسبت به من در جایگاه بینایی است، و عثمان نسبت به من در موقعیت قلب قرار دارد».

حسن بن علی رضی‌الله‌عنه اضافه می‌کند که: سپس روز بعد نزد ایشان صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم رفتم و دیدم که ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی‌الله‌عنه نزد او بودند، عرض کردم: پدرجان! شنیده‌ام که در مورد این اصحابتان چیزی فرموده‌اید، آن چیست؟ رسول الله صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم به آن‌ها اشاره کردند و فرمودند: بله، آن‌ها شنوایی و بینایی و قلب من هستند^۲.

مصیبتی بس بزرگ!

امام علی رضی‌الله‌عنه در تمجید و ستایش ابوبکر و عمر رضی‌الله‌عنه فرمود: «سوگند که جایگاه آن‌ها در اسلام بسیار بزرگ است، و مصیبت از دست دادنشان زخم

۱- بحار الانوار مجلسی (۲۰/۲۰۶، ۲۵۸، ۴/۳۹، ۹۱/۴۱).

۲- البرهان: (۴/۵۶۵، ۵۶۴).

بزرگی در اسلام بوجود آورد، رحمت الله بر آن دو، و الله بهترین پاداش را به ایشان بدهد^۱».

شوری از آن مهاجرین و انصار است

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تعریف و ستایش خلافت سه خلیفه راشد قبل از خود در نامه ۶ نهج البلاغه می فرماید:

«إِنَّهُ بَايَعَنِي الْقَوْمَ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ عَلَى مَا بَايَعُوهُمْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَكُنْ لِلشَّاهِدِ أَنْ يَخْتَارَ وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَرُدَّ وَإِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى رَجُلٍ وَسَمَّوْهُ إِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لَهِ اللَّهِ رِضًا فَإِنْ خَرَجَ عَنْ أَمْرِهِمْ خَارِجٌ بَطَعْنِ أَوْ بَدَعَةٍ رَدُّوهُ إِلَى مَا خَرَجَ مِنْهُ فَإِنْ أَبِي قَاتَلُوهُ عَلَى اتِّبَاعِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ». «همان قومی که با «ابوبکر»، «عمر»، «عثمان» بیعت کردند با همان شرایط و کیفیت با من بیعت نمودند. بنابر این نه آنکه حاضر بود اختیار فسخ دارد، و نه آنکه غائب بود اجازه رد کردن. و شوری فقط از آن مهاجران و انصار است اگر آنها متفقا کسی را امام نامیدند این عمل مورد رضا و خشنودی الله است. اگر کسی از فرمان آنها با طعن و بدعت خارج گردد او را بجای خود می نشانند، و اگر طغیان کند با او پیکار (جنگ) می کنند زیرا که از غیر طریق مؤمنان تبعیت کرده، و الله او را در بیراهه رها می سازد».

این روایت نص صریح است بر این که اگر علی علیه السلام از جانب الله به امامت برگزیده شده بود؛ تحت هیچ شرایطی برایش جایز نبود با چنین صراحتی از انتخاب شورا سخن بگوید، و این کلام علی علیه السلام جز برای کسانی که قلبشان از حق منحرف گشته باشد صریح و واضح و آشکار است.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (۷۱۹/۱).

همچنان که امام علی علیه السلام بر صحت خلافت خود، و انعقاد بیعت مردم با او به دلیل صحت بیعت خلفای سابق استدلال کرده است، و به وضوح و روشنی هرچه بیشتر این را میرساند که علی علیه السلام معتقد به مشروعیت خلافت ابوبکر و عمر و عثمان بوده، همان گونه که در نامه‌ای به معاویه بن ابوسفیان رضی الله عنه نوشت که خلافت با اتفاق و اجتماع مسلمین بر سر انتخاب یک شخص حاصل می‌گردد، و خصوصاً در عصر اول اسلام که با اجتماع مهاجرین و انصار برای انتخاب امام صورت می‌گرفت، همان گونه که به اتفاق آراء ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را برگزیدند، بنابر این کسی که حاضر بود اختیار ندارد و باید بپذیرد، و آنکه غائب بود اجازه رد کردن رأی ایشان را ندارد.

{جالب است بدانید که عده‌ای به عمر رضی الله عنه به خاطر تهدید برای گرفتن بیعت برای ابوبکر رضی الله عنه خرده می‌گیرند و می‌گویند این کار درست نبوده و خلاف دستورات اسلام است که به در خانه کسی بروند و با زور از او بیعت بگیرند! اگر صحت و سقم این روایت را کنار بگذریم نکته مهم این است که فرضاً این تهدیدها درست بوده باشد! بیایید ببینید که علی رضی الله عنه درباره کسانی که از بیعت با خلیفه مسلمین سرپیچی و انکار نماید در نامه ۶ نهج البلاغه چه می‌فرماید:

«فَإِنْ خَرَجَ عَنْ أَمْرِهِمْ خَارِجٌ بَطْعَنٍ أَوْ بَدْعَةٍ رَدُّوهُ إِلَى مَا خَرَجَ مِنْهُ فَإِنَّ أَبِي قَاتَلُوهُ عَلَى اتِّبَاعِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ». «اگر کسی از فرمان آنها با طعن و بدعت خارج گردد او را بجای خود می‌نشانند، و اگر طغیان کند با او پیکار (جنگ) میکنند زیرا که از غیر طریق مؤمنان تبعیت کرده، و الله او را در بیراهه رها می‌سازد».

بله اگر عمر رضی الله عنه تهدید کرد علی رضی الله عنه می‌فرماید که باید با آنها جنگید!! {.

با تأمل در نامه ۶ نهج البلاغه به چند نکته جالب پی می‌بریم:

۱- شاید خواننده عزیز سؤال کند که چرا علی علیه السلام فرمود: «همان قومی که با «ابو بکر»، «عمر»، «عثمان» بیعت کردند با همان شرایط و کیفیت با من بیعت نمودند...»؟ چرا در هر دو بیعت آن تعداد مشخص شده‌اند؟ آیا در این جا مسأله مهمی در کار نبوده که امام علی علیه السلام در صدد توضیح آن بوده باشد؟

بله منظور این بوده که: کسی در میان آن بیعت کنندگان با طعن و انتقاد علیه خلفاء یا بدعت یعنی ابداع روش جدید در دین از بیعت با خلیفه و اطاعت وی خارج نشدند، پس با من هم مانند ایشان بیعت شده است!

۲- سپس اگر فرض بر این باشد که منظور علی علیه السلام این بوده که خصم و مخالفش را با حجت ملزم گرداند و بگوید: واقعاً آن‌ها با من بیعت کردند همان‌گونه که با سابقین بیعت نمودند، پس بر تو (خصم و مخالف) هم لازم و واجب است با من بیعت کنی. اگر در مقام مجادله و مناظره به صحت این ادعاء اذعان کنیم، این جملات را چکار کنیم که فرمود: «شورا تنها از آن مهاجرین و انصار است...»؟

امام علی علیه السلام با زبان عربی سخن می‌گوید، و ما می‌دانیم که واژه (انما) مفید قصر و حصر است، پس معنی آن این است: «شورای بیعت و انتخاب جز برای مهاجرین و انصار نیست، پس این جمله مدح و ستایش است برای آن‌ها چون اهلیت شورا برای امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دارند.

۳- علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر آنها متفقا کسی را امام نامیدند این عمل مورد رضا و خشنودی الله است...» پس هرگاه آن‌ها مردی را به عنوان خلیفه به اتفاق آراء برگزیدند، این کار آنها مورد رضایت الله سبحانه و تعالی خواهد بود، سبحان الله آیا مدح و تعریفی از این بزرگ‌تر وجود دارد؟!.

عمر رضی الله عنه به خیر و نیکی دست یافت

امام علی رضی الله عنه در مقام تعریف و ستایش عمر بن خطاب رضی الله عنه در خطبه ۲۲۸ نهج البلاغه فرموده است:

«اللَّهُ بَلَاءُ فُلَانٍ فَلَقَدْ قَوْمَ الْأَوْدِ وَدَاوَى الْعَمَدِ وَأَقَامَ السُّنَّةَ وَخَلَّفَ الْفِتْنَةَ ذَهَبَ نَقِيَّ الثُّوبِ قَلِيلَ الْعَيْبِ أَصَابَ خَيْرَهَا وَسَبَقَ شَرَّهَا أَدَّى إِلَى اللَّهِ طَاعَتَهُ وَاتَّقَاهُ بِحَقِّهِ رَحَلَ وَتَرَكَهُمْ فِي طُرُقٍ مُشْتَعِبَةٍ لَا يَهْتَدِي بِهَا الضَّالُّ وَلَا يَسْتَيْقِنُ الْمُهْتَدِيَّ». «الله به او (عمر) خیر دهد! که کژیها را راست کرد و بیماریها را مداوا نمود، سنت را به‌پاداشت، و فتنه را پشت‌سر گذاشت، با جامه‌ای پاک و کم عیب از این جهان رخت‌بربست به خیر و نیکی آن رسید، از شر و بدی آن رهائی یافت! وظیفه خویش را نسبت به الله تعالی انجام داد، و آنچنان که باید از مجازات او می‌ترسید خود رفت و مردم را بر سر راهی باقی گذاشت که نه گمراهان در آن هدایت می‌یافتند و نه جویندگان هدایت به یقین راه خویش را پیدا می‌کردند!».

{در بسیاری از شروح نهج البلاغه از جمله نسخه خطی شریف رضی زیر کلمه فلان "عمر" نوشته شده است و اما بعضی از شارحین نهج البلاغه آنرا انکار نموده‌اند و جالب است بدانید که بعضی از آنها این خطبه را اصلاً شرح نکرده‌اند و بعضی هم نوشته‌اند چون این کلمات مخالف مذهب شیعه است ما آنرا قبول نداریم!!!}.

همچنین در خطبه ۱۳۴ نهج البلاغه علی رضی الله عنه هنگامی که عمر بن خطاب رضی الله عنه در زمان حیات خود در رابطه با بیرون رفتن برای جنگ با روم با او مشورت کرد فرمود:

«وَقَدْ تَوَكَّلَ اللَّهُ لِأَهْلِ هَذَا الدِّينِ بِإِعْزَازِ الْحُوْزَةِ وَ سِتْرِ الْعُوْرَةِ وَالَّذِي نَصَرَهُمْ وَهُمْ قَلِيلٌ لَا يَتَّصِرُونَ وَمَنْعَهُمْ وَهُمْ قَلِيلٌ لَا يَمْتَنِعُونَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ إِنَّكَ مَتَى

تَسِرُ إِلَىٰ هَذَا الْعَدُوِّ بِنَفْسِكَ فَتَلْقَهُمْ فَتُكَبِّ لَا تَكُنْ لِلْمُسْلِمِينَ كَانِفَةً دُونَ أَقْصَىٰ بِلَادِهِمْ لَيْسَ بَعْدَكَ مَرْجِعٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ فَاَبْعَثْ إِلَيْهِمْ رَجُلًا مِحْرَبًا وَاحْفَظْ مَعَهُ أَهْلَ الْبَلَاءِ وَالنَّصِيحَةَ فَإِنَّ أَظْهَرَ اللَّهِ فِدَاكَ مَا تُحِبُّ وَإِنْ تَكُنِ الْأُخْرَىٰ كُنْتَ رِءْءًا لِلنَّاسِ وَمَثَابَةً لِلْمُسْلِمِينَ» [خطبه ۱۳۴ نهج البلاغه]. «الله به پیروان این دین وعده داده و بر عهده گرفته که اسلام را سر بلند، و نقاط ضعف آنها را بر طرف سازد. آنکس که آنان را در آهنگام که اندک بودند یاری کرد، و در آموقع که در اثر کمی نفرات نمی توانستند از خود دفاع کنند از آنها دفاع نموده همان پروردگار متعال زنده است. هرگز نمی میرد قطعاً تو هرگاه شخصاً به میدان جنگ بروی و با دشمن روبرو گردی و کشته شوی، دیگر مسلمانان پناه گاهی ندارند و نمی توانند سرزمین های دور را حفظ کنند، و بعد از شما مرجعی ندارند به آن برگردند، پس به جای خود مرد مجزبی همراه با افراد دلسوز و گروهی که مشکلات و سختی های جنگ ها را دیده اند به سوی آنها بفرست، اگر الله سبحانه و تعالی ما را یاری کرد این خواسته توست، و اگر هم نتیجه چیز دیگری بود شما پناهگاه و مدافع مردم خواهی بود.»

{و همچنین پس از مشورت عمر رضی الله عنه با صحابه در این که شخصا برای جنگ با ایرانیان حرکت کند، علی رضی الله عنه بخاطر حفظ اسلام و خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرموده است:

«وَمَا كَانَ الْقَيْمِ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْحَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَرْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ أَبَدًا وَالْعَرَبُ الْيَوْمَ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ فَكُنْ قُطْبًا وَاسْتَدِرِ الرَّحَىٰ بِالْعَرَبِ وَأَصْلِهِمْ دُونَكَ نَارَ الْحَرْبِ فَإِنَّكَ إِنْ شَخَّصْتَ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ انْتَقَصَتْ

عَلَيْكَ الْعَرَبُ مِنْ أَطْرَافِهَا وَأَقْطَارِهَا حَتَّىٰ يَكُونَ مَا تَدْعُ وَرَاءَكَ مِنَ الْعُورَاتِ أَهَمَّ إِلَيْكَ مِمَّا بَيْنَ يَدَيْكَ إِنَّ الْأَعَاجِمَ إِن يَنْظُرُوا إِلَيْكَ غَدًا يَقُولُوا هَذَا أَصْلُ الْعَرَبِ فَإِذَا افْتَطَعْتُمُوهُ اسْتَرَحْتُمْ فَيَكُونُ ذَلِكَ أَشَدَّ لِكُلِّبِهِمْ عَلَيْكَ وَطَمَعِهِمْ فِيكَ فَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ مَسِيرِ الْقَوْمِ إِلَىٰ قِتَالِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ هُوَ أَكْرَهُ لِمَسِيرِهِمْ مِنْكَ وَهُوَ أَقْدَرُ عَلَىٰ تَغْيِيرِ مَا يَكْرَهُ وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدَدِهِمْ فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نَقَاتِلُ فِيهَا مَضَىٰ بِالْكَثْرَةِ وَإِنَّمَا كُنَّا نَقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَالْمَعُونَةِ».

«موقعیت زمامدار، همچون ریسمانی است که مهره‌ها را در نظام می‌کشد و آنها را جمع کرده ارتباط می‌بخشد؛ اگر ریسمان از هم بگسلد مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر کدام بجائی خواهد افتاد و سپس هرگز نتوان همه را جمع آوری نمود، و از نو نظام بخشید.

عرب امروز گرچه از نظر تعداد کم، اما با پیوستگی به اسلام فراوان، و با اتحاد و اجتماع و هماهنگی عزیز و قدرتمند است. بنابراین تو همچون محور آسیا باش! و جامعه را بوسیله‌ای مسلمانان به گردش در آور، و با همکاری آنها در نبرد، آتش جنگ را برای دشمنان شعله‌ور ساز! زیرا اگر شخصا از این سرزمین خارج شوی اعراب از اطراف و اکناف سر از زیر بار فرمانت بیرون خواهند برد (و آن گاه خواهی یافت) که آن چه پشت‌سر گذاشته‌ای مهم‌تر از آن است که در پیش رو داری. اگر چشم عجم‌ها فردا بر تو افتد خواهند گفت: این اساس و ریشه عرب است اگر قطعش کنی راحت می‌گردید، و این فکر آن‌ها را در مبارزه با تو و طمع در نابودیت حریص‌تر و سر سخت‌تر خواهد ساخت. و این که یادآور شدی. آنها به جنگ مسلمانان آمده‌اند و ناراحت هستی - الله ﷻ بیش از تو این کار را مکروه می‌دارد، و او بر تغییر آنچه نمی‌پسندد تواناتر است. و اما یاد آوریت در مورد تعداد زیاد سربازان دشمن، (بدان) که ما در گذشته در نبرد، روی تعداد تکیه نمی‌کردیم، بلکه به یاری و کمک الله دست‌به‌مبارزه می‌زدیم (و پیروز می‌شدیم)».

آری این مشوره‌های برادرانه و خیرخواهانه‌ای است که علی علیه السلام به دوست و برادر و داماد عزیزش عمر رضی الله عنه می‌دهد اما رابطه‌ی علی و عمر رضی الله عنهما را اشخاصی که بیمار دلند نمی‌توانند درک نمایند. آری چون عمر رضی الله عنه به سفر قدس رفت علی مرتضی را جانشین خود ساخت. و علی رضی الله عنه دخترش ام کلثوم بنت فاطمه رضی الله عنها را به ازدواج عمر رضی الله عنه در آورد. و این بزرگ‌ترین دلیل صمیمیت آنها و احترام عمر رضی الله عنه در نگاه علی رضی الله عنه می‌باشد.

واضح است که اگر علی رضی الله عنه نسبت به عمر رضی الله عنه سوء نیتی می‌داشت یا قلبا از او ناراض بود و او را غاصب حق خود می‌دانست، همواره منتظر فرصتی برای اعاده حق خود می‌شد و برای از بین بردن غاصب حق خود از این فرصت طلایی استفاده می‌کرد و او را راهنمایی می‌کرد که شخصا به میدان نبرد برود و در آنجا کشته شود یا اینکه کسی را برای کشتن او ماموریت می‌داد تا هیچگونه مسئولیتی متوجه او نگردد و زمینه برای خلافت وی فراهم آید؛ اما میبینیم که چگونه با دلسوزی و صمیمیت فوق‌العاده در راستای خیر خواهی عمر رضی الله عنه و سایر مسلمین می‌کوشید. همانا مشورت او از عمق جان برخاسته و حقا که چنین پیشنهادی جز از قلبی پاک و بی‌غرض و از مرد بلند همت و آینده‌نگری صادر نمی‌شود، ولی برعکس هنگامی که مسیحیان از عمر رضی الله عنه خواستند تا شخصا به بیت المقدس رفته و قرارداد صلح را امضا کند و کلیدهای مسجدالاقصی را تحویل بگیرد و ابو عبیده به امیر مومنان نوشت که فتح قدس به تشریف آوری او موقوف است، علی رضی الله عنه مصلحت دانست تا خلیفه‌ی مسلمین به قدس برود و چنین فرمود:

«این یک شرف و افتخار تاریخی است که در هر زمان برای همه کس پیش نمی‌آید و از طرف دیگر باعث افتخار مسلمین خواهد شد» عمر رضی الله عنه

نظر او را تأیید کرد و مقدمات سفر را به بیت المقدس فراهم نمود و در غیاب خود علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب و انجام کلیه وظایف مربوط به خلافت را به عهده وی گذاشت و خود مدینه را به قصد شام ترک گفت.

علی علیه السلام و فدک

وقتی که از علی علیه السلام در زمان خلافتش در مورد قضیه زمین فدک سؤال شد فرمود: «من واقعاً از الله شرم می‌کنم چیزی را رد کنم که ابوبکر آن را منع کرده و عمر نیز آن را تأیید کرد» ۱.

برادر و خواهر گرامی!

چگونه امام علی علیه السلام نسبت به اصحاب و یاران حبیب و عزیزش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این همه وفادار و دوست‌دار نباشد؟ حال آن که او یکی از فارغ التحصیلان مدرسه محبت و دوستی صادقانه است!

چرا چنین نباشد، کسی که حاصل آن باغی است که حبیب پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم باغبان و سرپرست آن بود!

این‌گونه موضع‌گیری‌ها فقط از کسی صادر می‌شود که از حال اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی جز خیر و نیکی را نمی‌شناخت، و درک کرده بود که اصحاب کرام بسیار برای این دین بزرگ مخلص بودند...

این‌ها اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و آن‌ها بیش از همه به زمان شیخین نزدیک بودند، از همه عملکردهای آنها باخبر بودند، آیا گواهی و نظر اهل بیت در مورد آن تعداد از اصحاب برای ما کافی نیست؟ سخنان چه کسانی را قبول کنیم؟ سخنان اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و یا سخنان یاهو سرایان را؟!.

فصل چهارم

اهل بیت و اصحاب...شفقت و خویشاوندی

یکی از دلایل وجود الفت و محبت و روابط حسنه، بین اصحاب بزرگوار و اهل بیت پیامبر ﷺ ارتباط خویشاوندی سببی و نسبی است، علاوه بر آن که اهل بیت فرزندانشان را با نام اصحاب نام‌گذاری می‌کردند.

۱- امام علی علیه السلام دخترش (ام کلثوم) را به عقد ازدواج عمر بن خطاب رضی الله عنه درآورد، و این دلیل ارتباط محکم بین آنهاست.

۲- همچنین امام علی رضی الله عنه پسرانش را با نام خلفای راشدین نام‌گذاری کرد، از جمله چند پسر به نام‌های عمر و عثمان و ابوبکر داشتند^۱.

۳- امام زین العابدین یکی از دخترانش را عائشه نامید، و فرزندان به نام‌های عبدالرحمن و عمر داشت که برادر پدری و مادری زید بن علی: بود.

۴- موسی بن جعفر ملقب به کاظم علیه السلام یکی از پسرانش را ابوبکر و یکی را عمر، و یکی از دخترانش را عائشه و دیگری را أم سلمه نامید^۱.

۱- کشف الغمة: (۶۷، ۶۸/۲)؛ و مقاتل الطالبین ابو الفرج اصفهانی (ص: ۸۳).

۵- همچنین یکی از دختران امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عائشه نام داشت.^۲

و از جمله افراد نامدار و مشهور اهل بیت که به نام صحابه نام‌گذاری شدند عبارتند از:

۱- ابوبکر بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه که همراه حسین در کربلاء شهید شد.^۳

۲- ابوبکر بن حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه که همراه عمویش (حسین) در کربلا شهید شد.^۴

۳- ابوبکر، علی زین العابدین: علی زین العابدین بن حسین شهید، کنیه‌اش ابوبکر بود.^۵

۴- ابوبکر، علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر صادق: کنیه‌ی علی الرضا، ابوبکر بود.

۵- ابوبکر محمد مهدی منتظر بن حسن عسکری: یکی از نام‌های مهدی غایب که شیعه معتقدند قبل از (۱۲۰۰) و اندی است متولد شده است!!

۶- عمر الأطرف بن علی بن ابی طالب: مادرش ام حبیب صهباء تغلیبیه از کنیزهای اسرای جنگ رده.^۶

۷- عمر بن حسن بن علی رضی الله عنه که مادرش کنیز بود و در کربلاء

۱- کشف الغمة: (۲۹/۳).

۲- کشف الغمة: (۶۰/۳).

۳- الارشاد شیخ مفید: (ص ۱۸۶-۲۴۸).

۴- منبع سابق (۲۴۸).

۵- الانوار نعمانیة جزایری.

۶- بحار الانوار مجلسی (۱۲۰/۴۲).

همراه عمویش حسین علیه السلام به شهادت رسید^۱.

۸- عمر اشرف بن زین العابدین بن حسین: مادرش کنیز و ملقب به (أشرف) بود؛ زیرا عمر ملقب به «اطرف» پسر علی بن ابوطالب بود^۲.

۹- عمر بن یحیی بن حسین بن زید شهید بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام^۳.

۱۰- عمر بن موسی کاظم بن جعفر صادق: ابن خشاب او را از فرزندان موسی کاظم حساب کرده است^۴.

۱۱- عثمان بن علی بن ابی طالب: همراه حسین در کربلاء شهید شد، و مادرش ام البنین دختر حزام از وحیدیه، سپس از کلایه بود^۵.

۱۲- عثمان بن عقیل بن ابی طالب: بلاذری او را ذکر کرده و می‌فرماید: «از عقیل مسلم... و عثمان متولد شدند»^۶.

۱۳- عائشه دختر موسی کاظم بن جعفر صادق: از دختران موسی کاظم^۷.

و از شدت محبت و احترام اهل بیت نسبت به مادر مؤمنان (عائشه) موسی کاظم: سی‌وهفت پسر و یک دختر داشت، آن یک دختر را هم عائشه نام‌گذاری کرد.

۱ - تاریخ یعقوبی (ص ۲۲۸).

۲ - الارشاد/ شیخ مفید: (۲۶۱).

۳ - تراجم أعلام النساء / حائری (ص ۳۵۹).

۴ - تواریخ النبی و الآل / محمد تقی تستری.

۵ - الارشاد/ شیخ مفید: (ص ۱۸۶-۴۲۸).

۶ - انساب الأشراف (ص ۷۰).

۷ - الارشاد (ص: ۳۰۳)، و عمدة الطالب/ ابن عنبه، پاورقی (ص ۲۶۶) و الأنوار النعمانية

جزایری در کتاب الانوار النعمانية (۱/۳۸۰) می‌گوید: «اما تعداد فرزندان موسی کاظم سی‌وهفت نفر پسر و دختر بودند: امام علی رضا و ... و ... و ... و عائشه».

روابط خویشاوندی بین اهل بیت و صحابه علیهم‌السلام

- ۱- محمد باقر بن زین العابدین بن حسین: با ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق علیه‌السلام ازدواج کرد و جعفر صادق از او متولد شد.^۱
برادر و خواهر گرامی! با چشم بصیرت ببینید که، اهل بیت با خانواده ابوبکر ارتباط خویشاوندی برقرار کرده‌اند! همان ابوبکری که امروز مدعیان محبت اهل بیت او را لعن و نفرین می‌کنند.
- ۲- حسن بن علی بن ابی طالب: با حفصه دختر عبدالرحمن بن ابوبکر ازدواج کرد.^۲
- ۳- رقیه دختر حسن بن علی بن ابی طالب: به ازدواج عمرو بن زبیر بن عوام در آمد.^۳
- ۴- ملیکه دختر حسن بن علی بن ابی طالب: با جعفر بن مصعب بن زبیر ازدواج کرد و دختری به نام فاطمه از آن زن و شوهر متولد شد.^۴
- ۵- موسی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب: با عبیده دختر زبیر بن هشام بن عروه بن زبیر بن عوام ازدواج کرده و عمر درج و صفیه و زینب از او متولد شدند.^۵

۱- الارشاد/شیخ مفید (ص: ۲۷۰)

۲- تواریخ النبی و الآل/محمد تقی تستری (ص ۱۰۷).

۳- منتهی الآمال (ص: ۳۴۲)، تراجم أعلام النساء (۳۴۶).

۴- نسب قریش/مصعب زبیری (ص: ۵۳).

۵- منبع سابق (۷۲).

۶- محمد بن عبدالله نفس زکیه بن المثنی بن حسن سبط بن علی بن ابی طالب: با فاخته دختر فلیح بن محمد بن منذر بن زبیر ازدواج کرده و پسری به نام طاهر از آن‌ها متولد شد.^۱

۷- سکینه دختر حسین بن علی بن ابی طالب با مصعب بن زبیر بن عوام ازدواج کرد.^۲

۸- حسین بن حسن بن علی بن ابی طالب: با آمینه دختر حمزه بن منذر بن زبیر بن عوام ازدواج کرد و فرزندان به نام‌های محمد و رقیه و فاطمه متولد شد.^۳

۹- حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب: با رمله دختر سعید بن زید بن نفیل عدوی ازدواج کرد، و از آن‌ها محمد و رقیه و فاطمه به دنیا آمدند.^۴

۱۰- حسن بن علی بن ابی طالب: با ام‌اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی ازدواج کرد، و حسن و فاطمه و ام‌عبدالله و طلحه بن حسین از او متولد شدند.^۵

۱۱- حسین بن علی بن ابی طالب: با ام‌اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله تیمی ازدواج کرد، چون حسن قبل از مرگ او را به ازدواج با ام‌اسحاق سفارش کرد، بنابراین بعداً با او ازدواج کرد و از او

۱- سر سلسله العلویة (ص: ۱۸).

۲- عمدة الطالب فی أنساب آل علی بن ابی طالب (ص: ۱۱۸)، أنساب الطالبین / اصیل d (ص: ۶۵-۶۶).

۳- سر السلسله العلویة (ص: ۱۰۳).

۴- عمدة الطالب (ص: ۱۲۰).

۵- الارشاد / شیخ مفید (ص: ۱۹۴).

صاحب دختری به نام فاطمه شد.^۱

۱۲- رقیه و أم‌کلثوم دختران رسول الله ﷺ یکی پس از دیگری با عثمان بن عفان رضی الله عنه ازدواج کردند، و هیچ کدام از علمای شیعه امامیه این ازدواج و ارتباط دامادی و پدر زنی عثمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نکرده‌اند.

۱۳- علی بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب: با رقیه دختر عمر عثمانیه ازدواج کرد.^۲

۱۴- زینب دختر حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابی طالب: با ولید بن عبدالملک بن مروان ازدواج کرد.^۳

۱۵- نفیسه دختر زید بن حسن بن علی بن ابی طالب: با ولید بن عبدالملک بن مروان ازدواج کرد.^۴

۱- الارشاد/ مفید (ص: ۱۹۴)، الانوار النعمانية / جزایری (۳۷۴/۱)، و گفت: فاطمه

دختر حسین مادرش أم اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله.

۲- سر سلسله العلویة (ص: ۱۰۳).

۳- نسب قریش (ص: ۵۲)، جمهرة أنساب العرب (ص: ۱۰۸).

۴- عمدة الطالب (ص: ۶۱، ۹۰).

فصل پنجم

نکته‌ها و پندها

علی رضی الله عنه و دشنام دادن به شیخین رضی الله عنهما

از سوید بن غفله روایت است که فرمود:

«علی رضی الله عنه با چشمان اشک آلود و گریان برخاست و فریاد زد: «الصلاة

جامعة»، مردم جمع شدند و او روی منبر نشست در حالی که اشک روی ریش سفیدش جاری می‌شد، سپس برخاست و خطبهٔ رسا و کوتاهی ایراد کرد و فرمود: چگونه اقوامی دو سرور قریش و دو پدر مسلمانان را با چیزهایی ذکر می‌کنند که من از گفتن چنین سخنان ناشایستی و گویندهٔ چنین ناسزاها پاک و مبراء هستم و آن‌ها را مجازات می‌کنم، سوگند به ذاتی که دانه را شکافت، و روح را در آدمی دمید جز انسان مؤمن پرهیزگار آن دو (ابوبکر و عمر) را دوست نمی‌دارد، و جز انسان‌های فاجر گمراه نسبت به آن‌ها بغض و کینه ندارند، آن دو برادر و رفیق و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند^۱.

بین عمر... و ابن حنیفه

روایت است که ابن حنیفه (فرزند علی علیه السلام) فرمود: «عمر رضی الله عنه وارد شد در حالی که من نزد خواهرم ام‌کلثوم بنت علی رضی الله عنه بودم، مرا در آغوش گرفت، سپس فرمود: با حلوا از او پذیرایی کن^۱».

محبت و مدح و ثنای ابن عباس رضی الله عنه

از حسن رضی الله عنه روایت است که فرمود: «ابن عباس در اسلام مقام و منزلتی دارد، و نسبت به قرآن مقام و منزلت دارد، او روی این منبر می‌ایستاد و سوره‌های بقره و آل‌عمران را می‌خواند و آیه آیه آن را تفسیر می‌کرد^۲».

و از زهری روایت است که فرمود: «مهاجرین به عمر رضی الله عنه گفتند: آیا پسرانمان را دعوت نمی‌کنی همان‌گونه که ابن عباس را دعوت می‌کنی؟ فرمود: او جوانمرد پیران است، او واقعاً زبان جویا و قلبی فهمیده و بسیار با خرد دارد^۳».

علت این بود که عمر رضی الله عنه ابن عباس را دوست می‌داشت و او را به خود نزدیک می‌کرد و به او محبت می‌نمود، و همراه با بزرگان صحابه با او مشاوره می‌کرد، و می‌فرمود: «بهترین مترجم قرآن ابن عباس است».

و عائشه صدیقه رضی الله عنها می‌فرمود: «او داناترین فرد به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از میان اصحاب است، و ابن عمر رضی الله عنه می‌فرمود: او به آن چه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است از همه آگاه‌تر است^۴».

۱- سیر اعلام النبلاء (۱۲۲/۷).

۲- سیر اعلام النبلاء.

۳- سیر اعلام النبلاء (۳۴۱/۵).

۴- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (۲۸۴/۱)، تاریخ بغداد (۱۷۳/۱).

فرزندان اما نه مانند هر فرزند

از ابو سعید رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «از نزد پسر جوانی عبور کردم با موهای بلند و جمع شده که در کنار علی بن ابی طالب رضی الله عنه نشسته بود، به علی گفتم: این بچه کیست در کنارت؟ فرمود: این عثمان بن علی است، او را هم نام عثمان بن عفان نامیده‌ام، و نیز پسر دیگرم را هم نام عمر بن خطاب و دیگری را هم نام عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله نامیدم و اضافه کرد: به نام‌های بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله (فرزندانم را) نامگذاری کرده‌ام»^۱.

و از محمد بن سلام روایت است که گفت: به عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب گفتم: «چگونه جد تو (علی) پسرش را به نام عمر نام‌گذاری کرد؟ فرمود: از پدرم در این باره سؤال کردم، از پدرش و او از عمر بن علی بن ابی طالب روایت کرد که فرمود: در زمان خلافت عمر بن خطاب رضی الله عنه من به دنیا آمده‌ام، پدرم علی مرا به نزد خلیفه برد و فرمود: ای امیر مؤمنان امشب صاحب پسری شده‌ام، عمر فرمود: آن را به من ببخش، علی فرمود: برای تو، عمر فرمود: اینک من هم او را عمر نامیدم و غلامم مورق را به او هدیه کردم»^۲.

الله عز وجل قبر عمر را پر نور گرداند

از اسماعیل بن زیاد روایت است که گفت: وقتی علی بن ابی طالب در ماه رمضان بر مساجد عبور می‌کرد که در آن‌ها چراغ روشن می‌شد می‌فرمود: الله سبحانه و تعالی قبر عمر را روشن و نورانی گرداند همان‌گونه که مساجد ما را نورانی و روشن کرد»^۳.

۱- تاریخ دمشق (۳۰۴/۴۵).

۲- منبع سابق.

۳- تاریخ دمشق (۲۸۰/۴۴)، اسد الغابة (۱/۸۲۸).

هجرت عمر رضی الله عنه و مستضعفین

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: علی بن ابی طالب رضی الله عنه به من فرمود:

«در میان مهاجرین نمی‌دانم کسی آشکار و علنی هجرت کرده باشد جز عمر بن خطاب، او وقتی تصمیم به هجرت گرفت شمشیرش را به گردن آویخت و کمانش را روی شانه گذاشت و چند تیر را در دست گرفت و با یک نیزه راهی کعبه شد که در آن موقع جمعی از سران قریش در صحن حرم جمع شده بودند، به دور کعبه هفت بار طواف کرد و نزد مقام ابراهیم نماز خواند، سپس در کنار هر یک از مجالس قریش می‌ایستاد و می‌فرمود: «شاهت الوجوه» (این چهره‌ها زشت باد، الله جز این دماغ‌ها را به خاک نمالد، هر کس می‌خواهد مادرش به عزایش نشیند، و بچه‌هایش یتیم شوند، و زنش بیوه گردد، پشت این دره با من ملاقات کند. فرمود: کسی دنبالش نرفت جز تعدادی از مستضعفین که آن‌ها را تعلیم و ارشاد کرده بود و برای خداحافظی او را همراهی کردند، سپس عمر راهی سفر هجرت شد^۱».

سرور پیران بهشت

روایت است که علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمود: «همراه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودم، در آن موقع ابوبکر و عمر رضی الله عنهما آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به من فرمود: ای علی این دو سرور پیران بهشت از اول تا آخر جز پیامبران و رسولان هستند، سپس فرمود: ای علی رضی الله عنه این را به آن‌ها خبر نده^۲».

۱- اسد الغابة (۱/۸۱۹).

۲- منبع سابق (۱/۸۲۲).

مهاجران اول... و ازدواج عمر رضی الله عنه

وقتی که عمر با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب رضی الله عنه ازدواج کرد، نزد مهاجرینی که در روضه شریف نشسته بودند رفت و فرمود: «به من تبریک بگویید»، گفتند برای چه ای امیر مؤمنان؟ فرمود: با ام کلثوم دختر علی ازدواج کرده‌ام، از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «همهٔ نسب‌ها و دامادی‌ها در قیامت قطع خواهد شد جز نسب و خویشاوندی سببی با من، و من با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خویشاوندی نسبی و سببی دارم، خواستم دامادی را هم به آن بیفزایم، سپس به او تبریک گفتند. بنابراین با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب بر مهریهٔ چهل هزار درهم ازدواج کرد، و زید اکبر و رقیه از او متولد شدند^۱».

موضع‌گیری علی رضی الله عنه در برابر شهادت عمر رضی الله عنه

از قیس بن ابی حازم روایت است که فرمود: «وقتی که عمر رضی الله عنه مورد ضربه قرار گرفت و مجروح شد، علی بن ابی طالب و عبدالله بن عباس رضی الله عنهما نزد او رفتند که سر عمر رضی الله عنه در آغوش پسرش عبدالله بود، عمر رضی الله عنه در خواست شربت کرد و آن را نوشید، ولی از محل زخمش بیرون آمد، برخی گفتند شربت خارج شد، و برخی گفتند خون است، سپس درخواست شیر کرد، وقتی آن را نوشید به رنگ سفید از زخمش خارج شد، پس فهمید که می‌میرد، خطاب به پسرش عبدالله فرمود: سرم را روی زمین بگذار، سپس دو یا سه مرتبه فرمود: ای عمر مادرت در عزایت نشیند! اگر فاصله بین مشرق و مغرب از آن من بود در فدیةٔ نجات از سختی‌های روز قیامت و بازخواست می‌دادم، ابن عباس فرمود: چرا ای امیر مؤمنان! به الله سوگند

اسلام آوردنت [برای اسلام و مسلمانان] عزت بود، و امارت و رهبریت فتح و پیروزی بود، و زمین را سرشار از عدالت کردی، عمر رضی الله عنه فرمود: آیا برایم این را گواهی می‌دهی ای برادر زاده؟ - مثل اینکه آن گواهی را نپسندید - علی بن ابی طالب رضی الله عنه خطاب به ابن عباس فرمود: بگو آری، من هم با تو هستم و شهادت می‌دهم که: اسلام آوردنش عزت بود، و امارت و رهبریش فتح و پیروزی بود، و زمین را سرشار از عدالت کرد^۱».

رابطهٔ ام المؤمنین عائشه و فاطمه رضی الله عنهما:

از عائشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایت است که فرمود: «کسی را ندیده‌ام در رفتار و روش و نشست و برخاست بیش از فاطمه به رسول الله صلی الله علیه و آله شباهت داشته باشد^۲».

قلب پنده... و دعا و نماز

از عبدالله بن حسن رضی الله عنه روایت است که فرمود: «به الله سوگند! که او تعالی توبهٔ بنده‌ای را نمی‌پذیرد که از ابوبکر و عمر اظهار برائت و بی‌زاری کند، همیشه یاد آن دو بر قلب من خطور می‌کند، برایشان دعا می‌کنم و من با این کار خود، به الله تعالی تقرب و نزدیکی می‌جویم^۳».

و از ابی خالد احمر روایت است که فرمود: «از عبدالله بن حسن رضی الله عنه در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما سؤال کردم؟ فرمود: درود الله بر آن دو، و درود الله بر کسی نباد که بر آن‌ها درود نمی‌فرستد^۴».

۱- تاریخ بغداد (۱۶۷/۱۱).

۲- سنن ترمذی (۷۰۰/۵).

۳- تاریخ دمشق (۳۷۴/۲۷).

۴- تاریخ دمشق (۳۷۳/۲۷).

برائتی از این برائت

و از کثیر نواء ابواسماعیل روایت است که گفت: «از زید بن علی رضی الله عنه در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما پرسیدم، فرمود: ولایت آن‌ها را بپذیر و ایشان را دوست مدار، گفتم: چه می‌گویی در مورد کسی که از آن دو اظهار بیزار می‌کند؟ فرمود: از چنین شخصی بیزاری می‌جویم تا می‌میرد^۱».

صبر کن! بهترین مردم را به تو معرفی کنم

ابوجحیفه گفت: «نزد علی رضی الله عنه وارد شدم، گفتم ای بهترین مردم بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! فرمود: صبر کن ای اباجحیفه! اول بهترین مردم بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به تو معرفی کنم: ابوبکر و عمر، وای بر تو ای اباجحیفه! دوست داشتن من با بغض و دوست نداشتن ابوبکر و عمر در قلب مؤمن جمع نمی‌شود^۲».

فضل... و جهل

از ابوجعفر محمد بن علی رضی الله عنه روایت است که فرمود: «هر کس فضل ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را نشناسد واقعاً نسبت به سنت جاهل است^۳».

خلفای بعد از خود را ذلیل کردی

از علی رضی الله عنه روایت است که فرمود: «عمر بن خطاب رضی الله عنه را دیدم می‌دوید، گفتم ای امیرمؤمنان کجا می‌روی؟ فرمود: یکی از شترهای بیت المال

۱ - تاریخ دمشق (۴۶۱/۱۹).

۲ - تاریخ دمشق (۲۰۱/۴۴).

۳ - تاریخ دمشق (۲۸۹/۵۴).

فراری شده می‌خواهم او را بگیرم. گفتیم: واقعاً خلفای بعد از خودت را خوار کردی، فرمود: ای ابا الحسن مرا ملامت و سرزنش مکن، به ذاتی قسم که محمد را به نبوت مبعوث کرده اگر یک بزغاله در کناره‌های فرات تلف شود، عمر در روز قیامت به خاطر آن مجازات می‌شود^۱».

شکایت مکلوم!

از زهیر بن معاویه روایت است که فرمود: «پدرم به جعفر بن محمد فرمود: من همسایه‌ای داریم که ادعا می‌کند تو از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما اظهار برائت و بیزار می‌کنی؟ جعفر رضی الله عنه فرمود: الله از همسایه ات بیزار باشد، به الله سوگند امیدوارم که به خاطر نزدیکی و خویشاوندی با ابوبکر رضی الله عنه الله سبحانه و تعالی به من سود و بهره برساند، و نزد دائی‌ام عبدالرحمن بن قاسم شکایت او را کرده‌ام».

آیا انسان پدر بزرگش را ناسزا می‌گوید؟!

از سالم بن ابی حفصه روایت است که فرمود: «از ابا جعفر در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما پرسیدم؟ فرمود: ای سالم ولایت ایشان را بپذیر و از دشمن ایشان اظهار برائت کن، که قطعاً آنها امامان هدایت هستند، سپس جعفر فرمود: ای سالم آیا کسی پدر بزرگ خود را ناسزا می‌گوید، شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شامل حالم نباشد اگر ولایت ایشان را نداشته باشم، و از دشمنانشان بیزار می‌شویم. آیا می‌دانید مادر امام جعفر صادق رضی الله عنه کیست؟»

مادر ایشان «ام فروه» دختر قاسم ابن محمد ابن ابی بکر صدیق رضی الله عنه می‌باشد.

۱- المناقب ابن جوزی (ص: ۱۶۱)، و محض الثواب في فضائل امير المؤمنين عمر بن خطاب (۶۲۱/۲).

دوبار مرا به دنیا آورد

حفص بن غیاث گفت: از جعفر بن محمد رضی الله عنه (جعفر صادق) شنیدم که می‌فرمود: «هر اندازه به شفاعت علی امید داشته باشم همان اندازه به شفاعت ابوبکر هم امیدوارم، واقعاً او دو بار مرا به دنیا آورده^۱».

بله صدیق! بله صدیق!

از عروه بن عبدالله روایت است که گفت: از اباجعفر محمد بن علی در مورد آراستن شمشیر سؤال کردم؟ فرمود: اشکال ندارد، ابوبکر صدیق هم شمشیرش را تزیین می‌کرد. گفت: می‌گویی صدیق. سریع از جایش پرید و روی به قبله ایستاد سپس فرمود: بله صدیق، بله صدیق! هر کس او را صدیق نگوید؛ الله سبحانه و تعالی هیچ گفته‌ او را در دنیا و آخرت تصدیق نکند^۲.

بله امیرالمؤمنین!

عروه از ابو جعفر رضی الله عنه روایت کرد که فرمود: «دست گیره شمشیر امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه از نقره بود، گفتم: امیر المؤمنین؟ فرمود: بله^۳».

معاذ الله!

از جابر روایت است که گفت: از اباجعفر محمد بن علی سؤال کردم: آیا در میان اهل بیت کسی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را دشنام می‌داد؟ گفت: معاذ الله، نه، بلکه ولایت ایشان را داشتند، و برایشان طلب آمرزش و رحمت الله را می‌کردند.

۱- سیر اعلام النبلاء (۱۱/۳۲۰-۳۲۱).

۲- فضائل صحابه دار قطنی (ص: ۶۲).

۳- سیر اعلام النبلاء (۱۱/۳۲۰-۳۲۱).

از جعفر بن محمد رضی الله عنه، و او هم از پدرش روایت می‌کند که فرمود: مردی نزد پدرم یعنی علی بن حسین آمد و فرمود: از ابوبکر برایم بگو، فرمود در باره‌ی صدیق سؤال می‌کنی؟ فرمود: آری رحمت الله بر شما، آیا او را صدیق می‌نامی؟ فرمود: مادرت به عزایت نشیند کسانی او را صدیق نامیده‌اند که از من و تو برترند: رسول الله صلی الله علیه و آله و مهاجرین و انصار، و هر کس او را صدیق نگوید الله سبحانه و تعالی هیچ گفته‌ی او را در دنیا و آخرت تصدیق نکند، برو ابوبکر و عمر را دوست بدار و ولایت ایشان را بپذیر، اگر این کار گناهی داشت بر گردن من^۱».

زیباترین سخن

از محمد بن علی رضی الله عنه روایت است که فرمود: «اجماع فرزندان فاطمه بر این است که درباره‌ی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما زیباترین سخن را بگویند^۲».

اهل بیت سخن می‌گویند

جابر روایت کرده است: به محمد بن علی رضی الله عنه گفتم: «آیا در میان شما اهل بیت کسی هست معتقد باشد گناهی از گناهان شرک محسوب می‌شود؟ فرمود: خیر، گفتم آیا در میان شما اهل بیت کسی معتقد به رجعت (بازگشت مردگان به این جهان)^۳ است؟ فرمود: خیر. گفتم: آیا در میان شما اهل بیت کسی هست ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را ناسزا گوید؟ فرمود: نه، ایشان را

۱- فضائل الصحابة دار قطنی (ص: ۶۲).

۲- فضائل الصحابة دار قطنی (ص: ۶۰).

۳- رجعت یکی از عقاید شگفت‌انگیز شیعیان است که مدعی هستند: بعضی مرده هابه دنیا باز می‌گردند. برای اطلاع بیشتر به کتاب "اسلام و رجعت" در سایت کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com/ebook مراجعه شود.

دوست بدار و ولایتشان را بپذیر و برایشان دعا کن.»
و در روایت دیگر آمده: «کسی از اهل بیت را ندیده‌ام که ولایت ایشان را نداشته باشد».

و در روایتی دیگر افزوده: «ولایت ایشان را داشته باش، و از دشمنانشان تبرا و بیزاری جوی، واقعاً که آنها دو امام و پیشوای هدایت هستند^۱».

آرامش سخن می‌گوید

و از شعبی روایت است که فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: «سکینه و آرامش بر زبان و قلب عمر سخن می‌گویند^۲».

عبای عمر رضی الله عنه و اخلاص علی رضی الله عنه

از ابی السفر روایت است که گفت: دیدند علی لباسی را زیاد می‌پوشید، به او گفتند: این لباس را همیشه می‌پوشی!!، فرمود: بله این را برادر و دوست برگزیده ام عمر به من بخشیده است، عمر برای الله مخلص و دلسوز بود الله سبحانه و تعالی هم او را از جمله خواصان خود برگزید^۳.

روی بستر مرگ... محبت و ولایت

از سالم بن ابی حفصه که از سران افرادی بود که نسبت به ابوبکر و عمر رضی الله عنهما کینه‌توز و ناراضی بود روایت است که می‌گوید: «نزد ابی جعفر وارد شدم که بیمار بود، او با من اهل مدارا بود، فرمود: بارالها من ولایت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را دارم و دوستشان می‌دارم، بارالها اگر در قلبم غیر این

۱- مختصر تاریخ دمشق (۲۸/۱).

۲- المناقب ابن جوزی (ص ۲۴۵) محض الصواب ف فضائل امیر المؤمنین عمر بن الخطاب (۸۵۷/۳).

۳- فضائل الصحابة دار قطنی (۸/۱).

است شفاعت محمد ﷺ در قیامت شامل حالم نگردد^۱».

گواهی راست و صادقانه

و از ابی مجلز روایت است که علی بن طالب رضی الله عنه فرمود: «زمانی که رسول الله ﷺ وفات یافت همه می‌دانستیم و معتقد بودیم که برترین ما بعد از او ابوبکر صدیق است، و وقتی هم که ابوبکر وفات یافت همه می‌دانستیم که بهترین ما بعد از ابوبکر عمر رضی الله عنه است^۲».

فداکاری و جانفشانی... صبر زیبا

از جابر روایت است که محمد بن علی به او گفت: «به من خبر رسیده که قومی در عراق ادعا می‌کنند که مرا دوست دارند و ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را ناسزا می‌گویند، و مدعی‌اند که من به ایشان چنین دستور داده‌ام، به آنها اعلام می‌کنم که من از ایشان نزد الله برائت می‌جویم، و قسم به آن که جانم در دست اوست اگر روزی قدرت به دست آورم با ریختن خون آنها به الله تقرب می‌جویم، شفاعت محمد نصیبم نگردد اگر برایشان (ابوبکر و عمر) استغفار و طلب ترحم نکم، واقعاً دشمنان الله از آن دو غافل هستند^۳».

وصیت وداع کننده

جابر جعفی می‌گوید وقتی که از ابوجعفر محمد باقر رضی الله عنه خداحافظی کردم خطاب به من فرمود: «به اهل کوفه ابلاغ کن که من از کسانی بیزار می‌جویم که از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما بیزار می‌جویند^۴».

۱- تاریخ دمشق (۲۸۶/۵۴).

۲- المناقب ابن جوزی (۲۴۵).

۳- منبع سابق.

۴- منبع سابق.

نماز پشت سر دشنام‌دهنده

سفیان ثوری از جعفر بن محمد (جعفر صادق) رضی الله عنه روایت می‌کند که فرمود: پدرم به من گفت: «پسرم! ناسزاگویی به ابوبکر و عمر رضی الله عنهما از گناهان کبیره است، پشت کسانی نماز نگذار که پشت سر آن دو حرف می‌زنند و به آن دو ناسزا می‌گویند^۱».

به اندازه دانه خردلی ظلم نکردند

کثیر النواء گفت: به ابی جعفر گفتم: «از ابوبکر و عمر برایم بگو، آیا آنها در حق شما ستمی کرده‌اند؟ فرمود: خیر، قسم به کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا برای جهانیان ترساننده و اندرز دهنده باشد در حق ما به اندازه‌ی وزن یک دانه خردل ظلم نکردند. گفتم: آیا ولایت آن دو را داشته باشیم؟ فرمود: بله، ای «کثیر» در دنیا و آخرت ولایشان را بپذیر. بعد فرمود: الله و رسولش از مغیره بن سعید و بنان مبرّاء و بیزارند، واقعاً که آنها بر ما اهل بیت دروغ بستند».

در روایتی دیگر فرمود: «علی پنج سال در کوفه بود جز به نیکی از ایشان یاد نکرد و جز نیکی ایشان را نگفت، و پدرم جز خوبی و نیکی ایشان را نگفت، و من هم جز به نیکی از ایشان یاد نمی‌کنم^۲».

ای کاش این آیه را می‌دانستند!

از ابی جعفر روایت است که فرمود: این آیه در رابطه با علی و ابوبکر و عمر رضی الله عنهم نازل شد که می‌فرماید: ﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍٍّ إِخْوَانًا عَلَيَّ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾ [الحجر: ۴۷].

۱- منبع سابق.

۲- تاریخ مدینه دمشق (۲۸۸/۵۴).

«و کینه را از سینه‌هایشان بیرون می‌کشیم، و برادرانه بر تخت‌ها رویاروی هم در بهشت می‌نشینند».

ریختن اشک بر این جنازه

نافع از ابن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که فرمود: «جنازه عمر بین قبر و منبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گذاشته شد، بعد علی بن ابی طالب جلو رفت تا آنکه در بین صف‌ها قرار گرفت، سپس سه مرتبه فرمود: رحمت الله بر تو باد، دوست دارم وقتی که به ملاقات الله می‌روم نامه‌ عملم بعد از نامه‌ عمل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مانند نامه‌ عمل کسی جز این جنازه نباشد که با جامه‌ خود پوشیده شده است»^۱.

و روایت شده که شخصی از محمد باقر رضی الله عنه پرسید آیا علی رضی الله عنه شاهد وفات عمر بود؟ امام باقر رضی الله عنه فرمود: «سبحان الله! آیا علی خودش نگفت: دوست دارم وقتی که به ملاقات الله می‌روم نامه‌ عملم بعد از نامه‌ عمل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مانند نامه‌ عمل کسی جز این جنازه نباشد که با جامه‌ خود پوشیده شده است، علاوه بر آن علی دخترش را به عقد ازدواج او در آورد، پس اگر او را شایسته نمی‌دانست او را به عقدش درمی‌آورد؟ بی‌پدران آیا می‌دانید دختر علی (ام کلثوم) چه شخصیتی بود؟ او اشرف زنان جهان بود، جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پدرش علی رضی الله عنه، و در اسلام صاحب شرف و مناقب و ویژگی‌های والایی بود، و مادرش فاطمه رضی الله عنها دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حسن و حسین - سرور جوانان اهل بهشت - برادرش بودند، و خدیجه رضی الله عنها مادر بزرگش بود»^۲.

۱- المناقب ابن الجوزی (ص: ۲۴۵).

۲- مختصر تاریخ دمشق (۵۴ظ ۲۸۹-۲۹۰).

روش عملی با اهل نجران

از ابی اسحاق روایت است که اهل نجران نزد علی علیه السلام پیرامون بیرون راندنشان توسط عمر رضی الله عنه التماس کردند و گفتند: ما را به سرزمین خودمان برگردان، ولی علی رضی الله عنه نپذیرفت، پس گفتند: تو را به الله و شفاعت ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سوگند، علی رضی الله عنه فرمود: «همانا عمر رشید الأمر و درستکار و امین بود و قضاوتش را رد نمی‌کنیم^۱».

اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در صحابه رضی الله عنهم تجلی کرد

امام صادق علیه السلام فرمود: «اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در شروع دوازده هزار نفر بودند هشت هزار از مدینه، و دو هزار از مکه، و دوهزار از آزاد شده‌ها، و در میانشان افرادی با عقیده قدری و یا مرجئی، یا حروری و معتزلی، یا صاحب رأی و بدعت دیده نشد، شب و روز گریه می‌کردند و می‌گفتند: بارالها ارواح ما را بگیر قبل از آن که نان خمیر بخوریم^۲».

سنگریزه در دهان گذاشتن

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سنگی را در دهانشان می‌گذاشتند، و اگر می‌خواستند سخن بگویند می‌دانستند که باید برای الله باشد و درباره او و برای رضای او باشد، و بسیاری از صحابه مانند انسان غرق شده در آب نفس عمیق می‌کشیدند، و شبیه بیماران سخن می‌گفتند^۳».

۱- فضائل الصحابة/ دار قطنی (۳/۱).

۲- الخصال (۶۴۰) لإل البحار (۲۲ظ ۳۰۵)، حدائق الأئس (۲۰۰).

۳- مصباح الشریعة (۲۰)، البحار (۲۸۴/۷۱).

اقوام گرامی و بزرگ‌منش

علی بن ابی طالب علیه السلام در مورد صحابه می‌فرماید:

«رسول الله صلی الله علیه و آله قرآن را که دارای آیات روشن است برای خردمندان آورد. اقوام گرامی و بزرگ‌منش با یقین بدان ایمان آوردند، و سپاس و ستایشش را با وحدت و همدلی به جای آوردند. و اقوام دیگری هم قرآن را نفی و انکار کردند، پس قلب‌هایشان منحرف شد و الله سبحانه و تعالی آنان را دیوانه و بی‌خرد ساخت. و روز جنگ بدر رسولش را قادر ساخت ایشان را شکست دهد، و به بهترین روش عمل کردند، و قوم دیگر (کفار) را خشمگین ساخت. در دست اصحاب در آن روز شمشیرهای بران و تیز بود که آن‌ها را درخشان و صاف کرده و صیقل داده بودند^۱».

ثناء و ستایش

امام شافعی رحمته الله علیه فرمود: «الله عز و جل در قرآن و تورات و انجیل اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را ستایش و تمجید کرده است، و بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله فضایی از ایشان بیان شده که برای هیچ کسی ذکر نشده است، پس رحمت الله بر آن‌ها و مبارک باد ایشان را رسیدن به بالاترین منازل صدیقین و شهیدان و صالحان، که ایشان سنت‌های عام و خاص رسول الله صلی الله علیه و آله را به ما ابلاغ کردند، چه امر و نهی، و چه ارشاد و روشنگری ایشان را، ولی برخی سنت‌ها را شناختیم و نسبت به برخی جاهلیم، که مافوق علم و اجتهاد و پرهیزکاری و عقل ما هستند، و آراء و نظرات اصحاب برای ما بسی از نظر و آراء خودمان بهتر و پسندیده‌ترند...».

۱- دیوان امیر المؤمنین علیه السلام (۱۰۷)، البحار (۳۱۶/۱۹) (۹۴/۴۱)، المناقب (۸۵/۱) (۱۴۴/۳).

اهل تفسیر و تأویل

ابن ابی حاتم رحمته فرمود: اصحاب رسول الله ﷺ کسانی هستند که شاهد نزول وحی و قرآن بودند، و به تفسیر و تأویل آشنا بودند، و الله ﻋَﻠَیْهِمُ السَّلَامُ آن‌ها را برای هم‌صحبتی و رفاقت پیامبر خود ﷺ و یاری و حمایت ایشان و برپاداشتن دین و اظهار حق برگزید، پس الله ﻋَﻠَیْهِمُ السَّلَامُ راضی بود که ایشان صحابه باشند، و برای ما پیشوا و الگو قرار گیرند، زیرا هر تشریح و سنت و حکم و قضاوت و امر و نهی و مستحب و ادبی که از پیامبر ﷺ دریافتند به خوبی حفظ کردند، و در دین فقیه و دانشمند شدند، و در حضور پیامبر ﷺ مقصود و مراد الله سبحانه و تعالی و تفسیر و تأویل قرآن را درک کردند، و همه چیز را مستقیم از رسول الله ﷺ برگرفتند، بنابراین با قرار دادن ایشان در جایگاه رهبری آنها را الگو و نمونه برای امت اسلام گردانید، آنان را به شرافت و کرامت نائل ساخت، و شک و دروغ و فریب کاری و... را از آنها زدود».

خیری در ادامه دادن زندگی در باطل نیست

از زبیر بن بکار روایت است که فرمود: «مردی خطاب به عمرو بن عاص رضی الله عنه گفت: چرا در وارد شدن به اسلام سستی کردی در حالی که عاقل و فهمیده بودی؟ فرمود: ما در میان قومی بودیم که عقل و خردشان به بلندای کوه‌ها بود، وقتی که رسول الله ﷺ مبعوث گشت نبوتش را انکار کردند، پس ما هم از ایشان تقلید و پیروی کردیم، وقتی آن‌ها رفتند و کار به دست ما افتاد با تدبیر و اندیشه بدان نگریستیم، ناگاه حق برایم آشکار گشت و نور اسلام در قلبم قرار گرفت، قریش فهمیدند که بر اثر دشمنی آنها علیه رسول الله ﷺ در پذیرفتن اسلام سست بودم و آرام عمل کردم، از این روی جوانی را جهت مناظره نزد من فرستادند، گفتم: تو را به الله قسم می‌دهم ما بر راه و روش

درست هستیم یا فارس و روم؟ گفت: ما هدایت یافته‌تریم، گفتم زندگی ما مرفه‌تر است یا زندگی ایشان؟ گفت: زندگی آن‌ها. گفتم: پس فضل و برتری ما چیست اگر برتری تنها مربوط به زندگی این دنیا باشد که آن‌ها در همه چیز از ما برترند؟ و این نکته در قلبم افتاد که زنده شدن بعد از مرگ برای دریافت پاداش نیکی به نیکی، و بدی به بدی که محمد ﷺ می‌فرماید حق است و خیری در ادامه زندگی در باطل نیست^۱.

در مورد اصحاب پیامبر ﷺ الله را فراموش نکنید

هنگامی که ابن ملجم علی بن ابی طالب رضی الله عنه را مورد اصابت شمشیر قرار داد، و احساس کرد که دیگر وفات می‌یابد، برای پسرش حسن وصیت کرد، و از جمله فرمود:

«اللَّهُ! اللَّهُ! في اصحاب نبیکم، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَوْصَى بِهِمْ»^۲. «نسبت به اصحاب رسول الله ﷺ الله را به یاد آورید و نگذارید در میان شما مورد ستم قرار گیرند، الله را در مورد آنان فراموش نکنید که واقعاً رسول الله ص نسبت به ایشان سفارش نموده‌اند».

شهادت امام در مورد دشنام دهندگان

از امام علی بن حسین زین العابدین رضی الله عنهما روایت است که چند نفر از عراق نزد ایشان آمدند و چیزهای ناشایستی در رابطه با ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم گفتند، وقتی سخنان را به پایان بردند، علی بن حسین زین العابدین رضی الله عنهما فرمود: آیا شما از مهاجرین اول هستید (که الله سبحانه و تعالی در مورد ایشان می‌فرماید:

۱- فیض القدیر / مناوی (۱۸/۷)، الاصابة فی تمییز الصحابة (۴/۶۵۱).

۲- تاریخ الامم والرسول والملوک - (تاریخ طبری) - (۳/۱۵۸).

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

«همچنین غنائم از آن فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل الله و خشنودی او را می‌خواهند، و الله و پیغمبرش را یاری می‌دهند. هم اینان راستانند.»
گفتند: نه.

علی بن حسین زین العابدین علیه السلام فرمود: آیا شما از جمله انصار هستید؟ کسانی که الله تعالی در رابطه با آنان فرموده:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ [الحشر: ۹].

«آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند.»
گفتند: نه.

فرمود: شما خود اعتراف کردید که از هیچ کدام این دو دسته نیستید، پس من شهادت می‌دهم که از این دسته سوّمی هم نیستید که الله سبحانه و تعالی درباره ایشان می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

سَبَّوْنَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.»

سپس فرمود: از نزد من خارج شوید الله از شما انتقام گیرد!^۱

۱- نگاه: النهی عن سب الصحابة (۱/۱۰۱).

سخن اخير

این‌ها چکیده و قطره‌هایی بود که اگر محبت و علاقمندی به اقوامی بزرگوار که در فضایل و نیکی‌ها پیشی گرفتند و صاحب ویژگی‌هایی شدند که سزاوار تعریف و ستایش پروردگار و وعده به خشنودی و عفو و نعمت جاوید و پایدار او همراه با پیامبران و صادقان و شهیدان و شایستگان شدند، اگر محبت و دوست داشتن چنین بزرگوارانی نبود؛ این مطالب جمع‌آوری و نشر نمی‌شد...

آفرین بر اقوامی که حایز این شرف و بزرگواری هستند، و بر اثر اعمال خود به عالی‌ترین درجه و مقام ارتقاء یافتند، و برای نسل‌های بعدی راه و روش درست و نشانه‌های شامخ و راه هدایت را ترسیم نمودند...

پس لازم است که انسان‌های هوشیار و دانا و عاقل راه و روش آنها را دنبال کنند زیرا:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَلْفَنَّهُمْ﴾ [الأنعام: ۹۰].

«آنان کسانی‌اند که الله ایشان را هدایت داده است پس از هدایت ایشان

پیروی کن.»

نابود باد دشمنان کینه‌توز، و (از رحمت الله) دور باد آن‌که نسبت به ایشان دشمنی و عداوت دارد، حاصل چنین کسانی جز بدبختی و زیان و آه

و ناله چه خواهد بود، در حالی که راه سلامت و مسیر نجات و رستگاری در اعتراف کردن است به این که آن بزرگواران تاج سروری و مدال افتخار صحابه بودن را در یافتند، و با برترین و پاک‌ترین بشریت هم‌نشین و همدم بودند، و کشورهای جهان را فتح نمودند، توحید و یکتا پرستی را نشر و گسترش دادند و با شرک و طغیان و فساد مبارزه کردند، خوشا راه و روش عطرآگین و روزگار و دوران زیبا و خرم آنها که با معلم انسانیت، و بیم‌دهنده بشریت؛ و رحمت جهانیان، و حجت بر همه خلق، یعنی رسول الله ﷺ سپری نمودند و مدال افتخار هم صحبتی با سرور کائنات را کسب نمودند.

در پایان این سخن امام شوکانی رحمته الله علیه را یادآور می‌شوم که می‌فرماید: «هرکه عاقل و خردمند است و برای حفظ دین خود تلاش می‌کند؛ وقتی که به آن‌چه در قرآن و سنت در مورد صحابه که ایشان را برتر و فاضل‌تر از غیر آنها در همه وجوه معرفی می‌کنند، و اینکه فرق بین اصحاب رسول الله ﷺ و غیر آنها مانند فرق بین زمین و آسمان است، عمل نمی‌کنند و باور ندارند، حد اقل باید ایشان را مانند سایر مسلمین حساب کند^۱».

وصلی الله علی سیدنا و حبیبنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین

۱- ارشاد الغیبی الی مذهب اهل البیت فی صحب النبی ﷺ (ص: ۱۴).

سؤال و جواب

سؤال اول: موارد زیر را ذکر کنید:

- سه آیه از قرآن کریم در توصیف و تعریف صحابه رضی الله عنهم بیان نمایید.
- سه حدیث از رسول الله صلی الله علیه و آله در ستایش صحابه رضی الله عنهم بیان نمایید.
- سه اثر و روایت از اهل بیت در مدح صحابه رضی الله عنهم بیان نمایید.

سؤال دوم: پاسخ درست را در بین پراکنده‌ها انتخاب کنید:

- چه کسی فرمود: هرکس با دیدن اولین مسلمان، و نزدیک‌ترین شخص به رسول الله صلی الله علیه و آله خوشحال می‌شود، به علی بن ابی طالب رضی الله عنه بنگرد: (عمر بن خطاب رضی الله عنه، طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه، ابوبکر صدیق رضی الله عنه).
- چه کسی فرمود، و این توصیه برای چه کسی شد: «الله! الله! فی اصحاب نبیکم، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله أوصی بهم».
- (علی به حسین فرمود، ابوبکر به عمر فرمود، علی به حسن فرمود).
- چه کسی فرمود: «کسی را ندیده‌ام در رفتار و روش و نشست و برخاست بیش از فاطمه به رسول الله صلی الله علیه و آله شباهت داشته باشد»:

مراجع

١. قرآن كريم
٢. تفسير انوار القرآن
٣. تفسير نور
٤. احكام القرآن
٥. التحرير والتنوير
٦. كتب احاديث (كتب ستة)
٧. تاريخ دمشق
٨. اسد الغابة
٩. سير اعلام النبلاء
١٠. تاريخ بغداد
١١. المناقب (ابن الجوزي)
١٢. بحار الأنوار (مجلسي)
١٣. تفسير امام عسكري
١٤. صحيفه سجاديه
١٥. نهج البلاغه

-
۱۶. اصول الکافی (کلینی)
 ۱۷. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید)
 ۱۸. ترجمه نهج البلاغة (شهیدی)
 ۱۹. كشف الغمة
 ۲۰. الارشاد (مفید)
 ۲۱. تاریخ یعقوبی
 ۲۲. تواریخ النبی والآل
 ۲۳. انساب الأشراف